

هنرهای کاربردی ایران در دوره صفوی بر اساس سفرنامه شاردن

محمود اشعاری*
جواد آقاجانی کشتلی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

چکیده

در دوره صفویه، هم‌زمان با رشد اقتصادی و سیاسی و نیز طولانی شدن مدت حکومت، جنبه‌های مذهبی و فرهنگی نیز تقویت شدند. این دوره شاهد تقویت و تحکیم تولیدات هنری بود که به دلیل علاقه حاکمان به هنر و فرهنگ، و همچنین شکل‌گیری روابط داخلی و خارجی و ارتباط نزدیک‌تر با سیاحان اروپایی حاصل شد. این تعاملات منجر به ایجاد گنجینه‌ای از اطلاعات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و هنری گردیدند که دستیابی به جزئیات آن‌ها از طریق منابع مکمل امکان‌پذیر می‌باشد. بررسی منابع تاریخی با تأکید بر سفرنامه در راستای استخراج اطلاعات فرهنگی و طبقه‌بندی و معرفی تولیدات هنری به منظور استخراج اطلاعات مکمل تاریخی از اهداف این پژوهش می‌باشد. سؤالات پژوهش نیز عبارتند از: چگونه می‌توان هنرهای کاربردی دوره صفوی را بر اساس کتاب سفرنامه شاردن احصاء نمود؟ تولیدات هنرهای کاربردی دوره صفوی بر اساس کتاب سفرنامه شاردن چگونه قابل دسته‌بندی هستند؟ تحقیق حاضر بر مبنای هدف، پژوهشی بنیادی و نظری و از نظر روش اجرا، توصیفی - تحلیلی است. همچنین پژوهش حاضر از نظر روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، کیفی و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات، هم در بخش تاریخی و هم در بخش نظری، پژوهشی کتابخانه‌ای و اسنادی محسوب می‌شود. تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز به روش کیفی انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد از کتاب سفرنامه شاردن به سبب تنوع مشاهدات منعکس شده در قالب شرح رویدادها و وقایع، شرح فضاها و مکان‌های شاخص، شرح فعالیت‌های فرهنگی و اقتصادی، شرح چیدمان‌های مراسم مهم درباری و طبقات بالادست، شرح تشریفات درباری، ذکر فهرست هدایا، و ... ناگزیر می‌توان به اطلاعات قابل توجهی از تولیدات این دوره دست یافت. از طرفی تحلیل محتوای کمی و کیفی منجر به ایجاد دسته‌بندی نه‌گانه‌ای با عناوین پوشاک، منسوجات، زیراندازها، ظروف، تزیینات کاربردی، کتیبه‌نویسی، جواهرات، تزیینات وابسته به معماری و سایر تولیدات گردیده است.

کلیدواژه‌ها:

صفوی، شاردن، هنرهای کاربردی، سفرنامه

* استادیار، گروه صنایع دستی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران (نویسنده مسئول) / mahmoud.ashari@gmail.com

** استادیار، گروه پژوهش هنر، دانشگاه علم و هنر، یزد، ایران / j.aghajani@sau.ac.ir

۱. مقدمه

هنر ایران در دوره صفوی، به اوج درخشش خود دست یافت و منابع تاریخی متنوعی در این دوره به ثبت رسیده‌اند. علاوه بر نویسندگان ایرانی، سیاحان اروپایی نیز به دلیل وضعیت اقتصادی و سیاسی مساعد، و همچنین علاقه حاکمان به هنر و شکل‌گیری روابط داخلی و خارجی، مطالب متنوعی را در قالب سفرنامه ثبت نموده‌اند. این سفرنامه‌ها به شرح و توصیف جنبه‌ها و زوایای گوناگونی از تولیدات فرهنگی و هنری پرداخته‌اند که شامل خاطرات سفر و دیدگاه‌های سیاحان درباره هنرهای این دوره است. به این ترتیب، سیاحان متعددی در قالب بازرگانان و تجار، مبلغان مذهبی، سفیران و اعضای هیئت‌های رسمی سیاسی، جهانگردان، هنرمندان و دانشمندان با اهداف سیاسی، تجاری، علمی، مذهبی، فرهنگی و هنری از کشورهای مختلف وارد ایران شدند. این سیاحان علاوه بر منابع مکتوب، منابع تصویری متنوعی را نیز به یادگار گذاشته‌اند که حاوی اطلاعات مفیدی در حوزه تولیدات فرهنگی و هنری این زمان هستند.

بررسی منابع تاریخی با تأکید بر سفرنامه شاردن در راستای استخراج اطلاعات فرهنگی و طبقه‌بندی و معرفی تولیدات هنری به منظور استخراج اطلاعات مکمل تاریخی، از اهداف این تحقیق می‌باشد. در این تحقیق به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود: چگونه می‌توان هنرهای کاربردی دوره صفوی را بر اساس کتاب سفرنامه شاردن احصاء نمود؟ تولیدات هنرهای کاربردی دوره صفوی بر اساس کتاب سفرنامه شاردن چگونه قابل دسته‌بندی هستند؟ پژوهش حاضر از این جهت اهمیت و ضرورت دارد که به دلیل نبود اطلاعات کافی و منسجم در خصوص سیر تحول تاریخ هنرهای کاربردی دوره صفوی و با عنایت به ویژگی‌های خاص سفرنامه شاردن، قادر خواهد بود با استخراج نقاط تاریک این سیر تحول به همراه زوایای پیرامونی وابسته به آن، مفاهیم محتوایی قابل توجهی را در جهت تکمیل منابع مورد نظر به جامعه هدف خویش ارائه نماید.

۲. روش پژوهش

این پژوهش با توجه به هدف، یک پژوهش بنیادی و نظری است و از نظر روش اجرا، توصیفی - تحلیلی و از نظر روش تجزیه و تحلیل، پژوهشی کیفی می‌باشد. گردآوری اطلاعات در بخش‌های تاریخی و نظری، به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی است. تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز به روش کیفی انجام شده است. این پژوهش با هدف شناسایی زوایای ناشناخته در تاریخ تولیدات هنری دوره صفوی، به دسته‌بندی منابع تاریخی نظیر سفرنامه شاردن پرداخته است. مطالب مرتبط با تولیدات هنری این دوره از منابع دست اول استخراج و تفکیک شده‌اند. در این پژوهش، با شناسایی منابع معتبر تاریخی و تحلیل فراوانی کاربرد واژگان در منابع مکتوب، به تحلیل کمی و کیفی داده‌ها با رویکرد تحلیل محتوا پرداخته شده است. برای استخراج و تحلیل واژگان، از نرم‌افزارهای تخصصی نظیر «جغرافیای جهان اسلام ۲» و «نورالسیره ۲» استفاده شده است.

۳. پیشینه پژوهش

رضا رمضان نرگسی (۱۳۹۰) در مقاله «بررسی انتقادی شش سفرنامه مهم اروپایی دوره صفوی»، سفرنامه‌ها را به عنوان منابع دست اول تاریخی معرفی نموده است. در عین حال با شرح و بررسی شش سفرنامه صفوی، به بررسی اشکالات کلی سفرنامه‌ها و مقایسه آن‌ها با هم پرداخته است. از این رو، بعد از معرفی سفرنامه‌ها، تلاش شده اشکالات ساختاری آن‌ها، همراه با ارائه شواهد تاریخی بیان شود تا محقق تاریخ در رجوع به این سفرنامه‌ها و سفرنامه‌های مشابه، از مطلق‌نگری بپرهیزد و با توجه به اشکالات مطرح شده در این تحقیق، با احتیاط، دقت لازم و توجه به سایر منابع، از سفرنامه‌های عصر صفوی استفاده نماید. ایلناز رهبر، هومان اسعدی، و رامون گاژا (۱۳۹۰) در مقاله «سازهای موسیقی دوره صفوی به روایت کمپفر و شاردن مقایسه‌ای تطبیقی در بخش سازشناختی از سفرنامه‌ی کمپفر و شاردن» بر این عقیده هستند که به دلیل رفت و آمد بی‌شمار سیاحان، در این دوره تعداد بسیاری سفرنامه نوشته شده است که دربردارنده اطلاعات ارزشمندی از تاریخ و فرهنگ ایران هستند و در بین سفرنامه‌نویسان، توصیفات شاردن و کمپفر را قابل توجه دانسته‌اند. شاردن در کتاب خود توصیفات قابل تأملی از سازهای ایران در دوره صفوی را بیان کرده است. همچنین در سفرنامه کمپفر نیز تصویری از سازهای ایرانی همراه با توضیحات آن‌ها آورده شده است. در این مقاله سعی شده با بررسی تطبیقی نوشته‌های کمپفر با یادداشت‌های شاردن، اطلاعات ارزشمندی از مباحث سازشناسی دوره صفوی حاصل گردد.

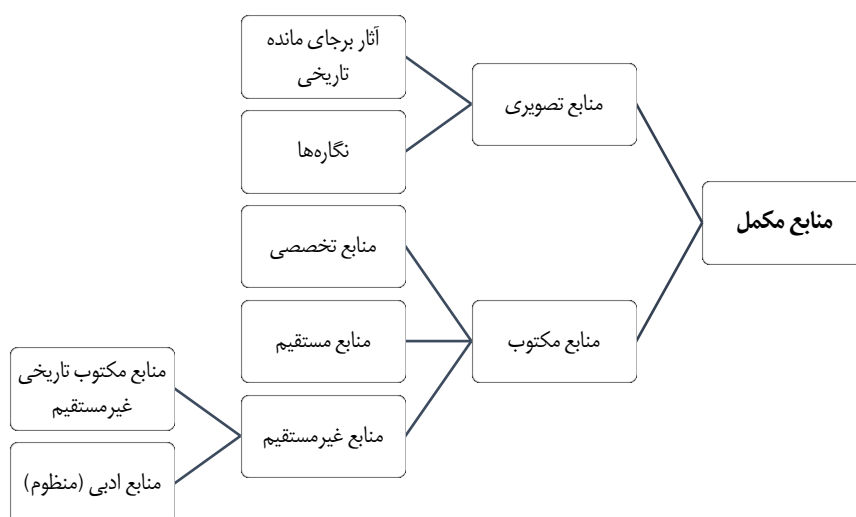
کوروش فتحی (۱۳۸۹) در مقاله «هنر زرگری در ایران» با روش تحقیق تاریخی و با برداشت‌های مستقیم از سفرنامه‌های ال‌ناریوس، تاورنیه، شاردن و کارری، به بررسی جایگاه هنر زرگری و زرگران در دوره صفوی پرداخته است. این مقاله که در واقع بر مبنای دیدگاه نگارنده می‌باشد، بر این نکته متمرکز شده است که اگرچه هنر زرگری ایران در دوره صفوی تفاوت چشم‌گیری با ادوار تاریخی پیش از خود ندارد، اما ورود خارجی‌ان

شرقی (هندیان) و خارجیان غربی (اروپاییان، خصوصاً فرانسویان) رونقی به آثار و تکنیک‌های این هنر بخشیده‌است. ضمن این‌که دوره صفوی را اولین دوره در تاریخ ایران ذکر می‌کند که توجه ناظران خارجی زمان خود را به تحولات هنری جلب کرده و اساساً ناظرانی از همین صنف نظیر شاردن و تاورنیه با این نگاه به ایران وارد شده و گزارش‌هایی از آن نقل کرده‌اند. آذر آهنچی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «سفرنامه‌نویس و اهمیت آن در شناخت سرزمین و جامعه ایران و اوضاع سیاسی سلطنت شاه صفی اول» معتقد است با توجه به تحصیلات ال‌ناریوس، او در این سفرنامه مطالب و جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی را با دقت نظر و به‌طور کامل عنوان کرده‌است. یکی از نتایج قابل توجه این مقاله این است که اگر سفرنامه‌نویسان اروپایی این دوران بسیاری از جنبه‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی را بدون ترس انعکاس داده‌اند اما شاید نتوان به ارزش تاریخی و اسنادی آن نوشته‌ها چندان بسنده نمود، زیرا اگرچه این جهانگردان به‌عنوان ناظر خارجی، کنجکاو و دقت زیادی در روحيات و اخلاق و آداب و رسوم مردم ایران داشته‌اند، لیکن در بسیاری موارد آداب و رسوم خود را معیار و ملاک قرار داده‌اند و تا اندازه‌ای متأثر از روایات یونانی و لاتینی بوده‌اند.

علی جعفرپور و مهرداد نوری (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «وضعیت پوشاک زنان در عصر صفوی (با تکیه بر سفرنامه‌نویسان فرنگی)» تحلیلی پرمحتوا از لباس زنان را با انتخاب نمونه‌هایی مستقیم از سفرنامه‌ها ارائه نموده‌اند. در این مقاله از سفرنامه‌های ال‌ناریوس، سانسون، شاردن، دن گارسیا، کارری، دلاواله، تاورنیه و برادران شرلی استفاده شده‌است. این نگارندگان معتقد هستند مورخین ایرانی عصر صفوی به‌واسطه عدم دسترسی به حرم‌سرا و فقدان مصاحبه‌های حضوری، نتوانستند گزارش‌های مفصل و دقیقی ارائه دهند اما آنچه از نوشته‌های سیاحان برمی‌آید حاوی اطلاعات کامل‌تری است که برخی زوایای فرهنگی این دوران را روشن‌تر می‌نماید.

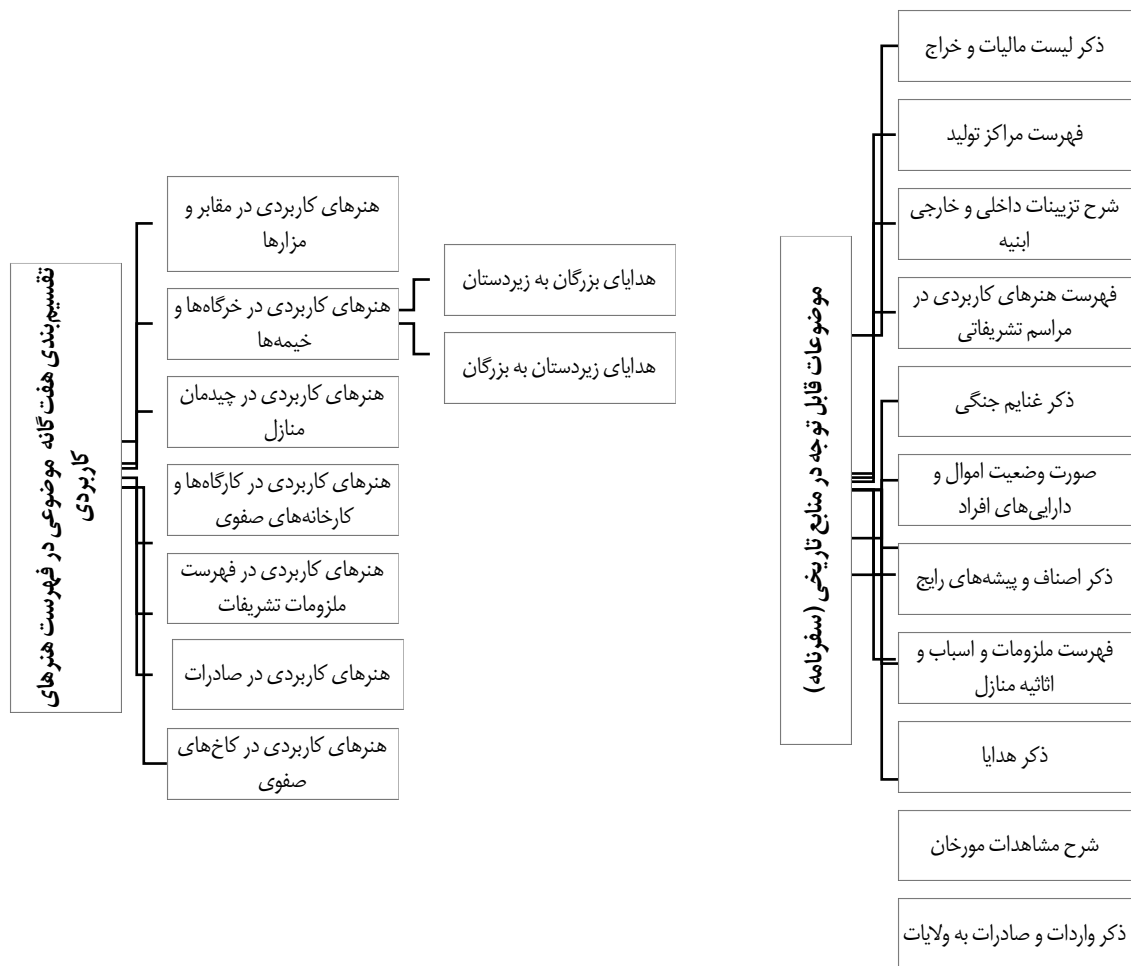
۴. منابع مکمل و تحلیل متون

منابع مکمل، به منابعی اطلاق می‌شود که هم‌زمان با دوره تولیدات مورد نظر ایجاد شده‌اند و قابلیت استخراج اطلاعات تاریخی در حوزه تولیدات هنری را دارا می‌باشند. این منابع در دو حوزه تصویری و مکتوب دسته‌بندی می‌شوند (نمودار ۱). منابع تصویری شامل سنگواره‌ها، نگاره‌ها، نقاشی‌های دیواری و ... است که قابلیت استخراج اطلاعات تاریخی را دارا هستند. این تصاویر می‌توانند رویدادهای تاریخی، آداب و رسوم فرهنگی و شرایط اجتماعی و سیاسی را نیز تصویر کنند.^۱ منابع مکتوب نیز در سه گروه منابع تخصصی، منابع مستقیم و منابع غیرمستقیم قابل دسته‌بندی می‌باشند (اشپولر، ۱۳۸۰: ۳۱۸).^۲ منبع مورد استناد در این مقاله از نوع منابع مکمل و از دسته منابع مکتوب می‌باشد. با توجه به قابلیت‌های مستتر در سفرنامه شاردن، اطلاعات استخراج‌شده در این تحقیق بر اساس خوانش رویدادها، کلیدواژگان مورد نظر در حوزه هنرهای کاربردی قابل استخراج بوده و لذا در دسته‌بندی منابع غیرمستقیم قرار می‌گیرد.^۳



نمودار ۱: دسته‌بندی منابع مکمل (نگارندگان)

در این روش، پس از شناسایی دقیق کتب تاریخی با توجه به اعتبار، قابلیت‌های اطلاعاتی، فراوانی کیفی و کمی واژگان تخصصی، محقق باید ابتدا به استخراج و طبقه‌بندی واژگان مربوطه پرداخته و سپس با استفاده از الگویی از پیش تعیین‌شده، به تحلیل آن‌ها بپردازد. شناسایی متونی که به لحاظ کمی و کیفی شامل واژگان مرتبط با هنرهای مورد نظر هستند، از مراحل مهم این روش است. تحلیل کیفی متون معمولاً از طریق تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی و فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند بررسی می‌شود (خنیفر، ۱۳۹۷: ۸۰) و معمولاً واژگان مورد نظر در قالب بخش، محتوای استخراج‌شده از طریق فرایند طبقه‌بندی نظام‌مند بررسی می‌شود (خنیفر، ۱۳۹۷: ۸۰) و معمولاً واژگان مورد نظر در قالب جملاتی که شامل شرح رویدادها و وقایع، شرح فضاها و مکان‌های شاخص، شرح فعالیت‌های فرهنگی و اقتصادی، شرح چیدمان‌های مراسم مهم درباری و طبقات بالادست، شرح تشریفات درباری، شرح فهرست اموال افراد، شرح تزیینات داخلی و خارجی مکان‌ها، فهرست اسباب و اثاثیه منازل، و ... بررسی می‌شوند (نمودار ۲). در این پژوهش بر اساس محتوای مذکور، جهت سامان‌دادن به اطلاعات مستخرج در قالب چارچوبی مشخص، پس از احصای واژگان مرتبط با هنرهای کاربردی، فهرست مربوط به هنرهای کاربردی در قالب تقسیم‌بندی هفت‌بخشی موضوعی طبقه‌بندی شده و در نهایت، اطلاعات مربوطه در بخش‌های مرتبط این قالب هفت‌گانه جای گرفته‌اند (نمودار ۳).



نمودار ۲: موضوعات قابل توجه در متون تاریخی (نگارندگان)

نمودار ۳: موضوعات قابل استناد در متن سفرنامه شاردن (نگارندگان)

۵. هنرهای کاربردی در مقابر و مزارها

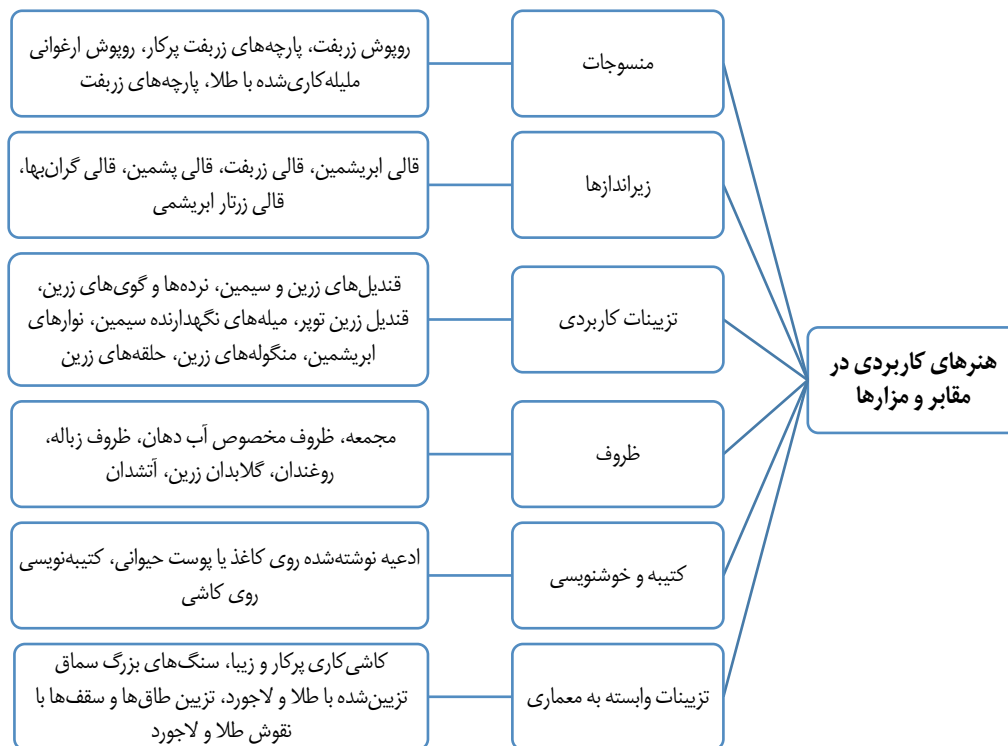
در شرحی که از مزار حضرت معصومه (س) ذکر گردیده به کاشی‌های مجلل، روپوش زربفت مخصوص مزار، فرش‌های پشمین و گاهی ابریشمین زربفت، قندیل‌های سیمین، و نرده‌های زرین اشاره شده‌است. علاوه بر آن ادعیه‌ای بر مزار آن حضرت به خط زرین مشاهده گردیده که گویا زیارت‌نامه بوده‌است:

طول مزار حضرت معصومه هشت، عرضش پنج، و بلندی‌ش شش پاست. رو و دورش با کاشی‌های بسیار عالی و زیبا پوشیده شده، و روپوش زربفت بر آن گسترده شده‌است. نیم گام دور از مزار نرده‌ای سیمین و توپر به بلندی شش پا در اطراف آن تعبیه شده، و در هر یک از چهار گوشه‌اش گویی بزرگ از زر نصب گردیده‌است (شاردن، ۱۳۸۶: ۱۳۷۲). گویا دو مقبره در اطراف مزار حضرت معصومه (س) ساخته شده بوده؛ یکی مربوط به شاه‌صفی و دیگری مربوط به شاه‌عباس دوم. «دو ساختمان دو طرف آستان مقدس حضرت فاطمه آرامگاه دو تن از پادشاهان اخیر ایران است. سر در این دو آرامگاه کوتاه‌تر و کم‌پهناتر از مدخل بارگاه حضرت فاطمه است. اما درهای آنها همچنان از صفحه‌های سیمین پوشیده شده‌است» (همان: ۵۲۶).

در مورد مزار شاه‌عباس دوم ذکر شده‌است که دالان‌ها و بارگاه آن را با فرش‌های زیبا و گران‌بها پوشانده بوده‌اند. هم‌چنین در این آرامگاه، فرش‌های ابریشمی زرتار گسترده بوده‌است. در خصوص تزیینات این بنا، اشاره شده که قسمت‌های پایین بارگاه با سنگ‌های بزرگ سماق که با طلا و لاجورد تزیین شده‌اند، پوشیده بوده‌است. طاق‌ها و سقف‌ها نیز با نقوش طلا و لاجورد به‌طرز هنرمندانه‌ای تزیین شده بوده‌اند. «در ساخت این بناها به قدری طلا و لاجورد به کار رفته که بیننده گمان می‌کند همه‌چیز از زر و لاجورد ساخته شده‌است» (همان: ۵۲۵). این بارگاه با پنجره‌های متنوعی نورگیری می‌شده‌است به‌طوری که در همه پنجره‌ها، شیشه‌های بلورین در قاب‌های سیمین توپر جای گرفته و با طلا و لاجورد تزیین شده بودند. کتیبه‌نویسی با محتوای مناسب در تزیینات انبیه این دوره نیز بسیار رایج بوده چنان‌چه در زیر طاق‌های این مزار به کرات جملات پر معنا و گاهی اخلاقی را به نظم و نثر و با خطوط زیبا و زرین نوشته بوده‌اند: «پادشاهی که در پی برقراری عدالت و انصاف نیست، مانند ابر تیره‌ای است که باران نمی‌بارد» (همان).

هم‌چون دیگر مزارهای این دوره، در این مزار نیز قندیل به‌عنوان عنصری تزیینی و در عین حال کاربردی ایفای نقش می‌نماید: «سه قندیل طلای توپر از سقف آرامگاه آویخته شده بود. این قندیل‌ها معمولاً به‌وسیله میله‌های سیمینی از سقف آویخته می‌شده‌است» (همان: ۵۲۶). هم‌چنین در طراحی مزار، از کاشی‌های بسیار زیبایی جهت تزیین استفاده نموده‌اند. علاوه بر کاربرد کاشی‌های پُرکار، مرسوم بوده تا بر روی آن کاشی‌ها نیز از پارچه‌های زربفت و بسیار پرکاری استفاده نمایند که گویا این نوع منسوجات بسیار گران‌بها بوده‌اند، به‌طوری که نقل شده هر ذراع آن افزون بر نهصد لیور بها داشته‌است. برحسب معمول، روی مرقد روپوش می‌گذاشته و به‌دلیل منزلتی که برای صاحب قبر در نظر داشته‌اند، گران‌بهاترین روپوش نیز به مرقد اختصاص می‌یافته‌است. شاردن اشاره می‌کند که این روپوش با منگوله‌های طلایی تزیین شده و در پایین آن نوارهای ابریشمی زیبایی وجود داشته‌است. این نوارها از حلقه‌های طلایی توپر عبور کرده و به فرش متصل می‌شده‌اند و بدین ترتیب، این دو را به یکدیگر پیوند می‌زده‌اند (همان).

نویسنده این سفرنامه اشاره می‌کند که آرامگاه شاه‌صفی نیز از نظر جلال و شکوه در حد آرامگاه شاه‌عباس دوم بوده‌است. روپوش اصلی این مقبره نیز روپوش زربافت بسیار عالی و گران‌بهای بوده‌است. علاوه بر آن، یک روپوش ارغوانی رنگ مليله‌کاری شده با تارهای طلایی، زینت‌بخش روپوش زربافت مقبره بوده‌است. مشابه روپوش مرقد شاه‌عباس دوم، این روپوش نیز در پایین دارای نوار ابریشمی بوده‌است. هم‌چنین حلقه‌های زرینی که با گیره‌های طلایی به فرش متصل شده بودند، قالی و روپوش را به یکدیگر پیوند می‌زده‌اند. به‌طور معمول در اطراف این دست از مقابر، طاقچه‌هایی تعبیه می‌شده که روی آن‌ها را با پارچه‌های زربفت می‌پوشانند. گویا این طاقچه‌ها محل نگهداری کتب مذهبی و ظروف بوده‌اند. از طرفی بخش عمده ظروف و اوانی و آلات و ابزار متعلق به این بارگاه‌ها از طلا یا نقره گزارش شده‌اند. به نقل از شاردن، ظروف و وسایل این مقبره عبارت بودند از شمعدان‌های طلا، مجمعه‌های^۴ بزرگ، ظروف با کاربردهای مختلف، ظروف مخصوص آب دهان و زباله، انبر، خاک‌انداز مخصوص بخاری، آتشدان، روغندان، گلابدان و ... (همان: ۵۳۰) (نمودار ۴).



نمودار ۴: هنرهای کاربردی در مقابر و مزارهای دوره صفوی (نگارندگان)

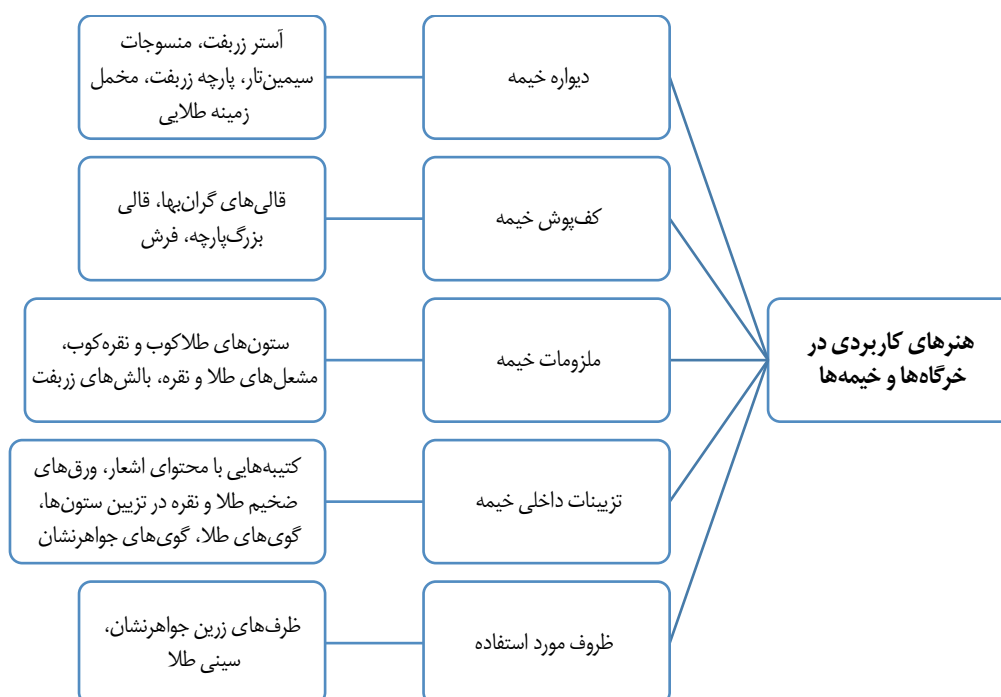
۶. هنرهای کاربردی در خرگاه‌ها و خیمه‌ها

خیمه‌های بزرگان و پادشاهان در این دوره مانند خانه‌هایشان وسیع و پرتجمل بوده‌است. این خیمه‌ها گاهی به قدری پراهمیت بودند که در آن‌ها تالار پذیرایی، گرمابه و حرمسرای شاه و دیگر قسمت‌های کاربردی مشابه آن‌چه در کاخ‌ها مشاهده می‌شود نیز طراحی می‌گردیده‌است. چنان‌چه شاردن نیز اشاره دارد: «بسا باشد وسعت خرگاه بزرگان از پانصد پای مربع درگذرد» (همان: ۱۲۹۵). در برخی موارد حتی تجلی باغ ایرانی و عناصر مرسوم در طراحی آن را نیز می‌توان در طراحی این خیمه‌ها مشاهده نمود. در مواردی تجهیزات و ملزومات خیمه به قدری متنوع بوده‌اند که برای نقل و انتقال این وسایل دست‌کم هزار قطار شتر به کار می‌گرفته‌اند (همان). به‌طور مثال در شرح جشن عروسی‌ای که بر بام قصر برگزار شده بود، ذکر گردیده که چادر بسیار بزرگی روی بام برافراشتند، «این چادر بر روی پنج ستون که هر یک بیست و دو پا بلندی و پنج شست ضخامت داشت، قائم بود» (همان: ۳۷۴). در این گزارش نقل شده که سرتاسر آستر چادر را با پارچه‌های زربفت پوشانده بودند و این پارچه‌های زربفت نیز به دلیل بافت زیبایی که از ترکیب منسوجات سیمین‌تار و زرین‌تار به وجود آمده بود در برابر تابش نور طبیعی و غیرطبیعی، بسیار زیبا جلوه می‌کرده‌اند (همان). شاردن نقل می‌نماید که داخل این چادر با قالی‌های گران‌بها مفروش شده بود، و روشنایی آن را چهل مشعل بزرگ فراهم می‌ساختند. «چهار مشعل نزدیک نایب‌السلطنه از طلا و باقی مشعل‌ها از نقره بود. هر یک این مشعل‌ها قریب چهل لیور وزن داشت. قطر پایین پایه هر کدام به پانزده شست، و بلندی شاخه هر مشعل یک‌پا و نیم بود» (همان، ۳۷۳). با توجه به متن کتاب، گویا مشعل‌های مذکور به دلایل فنی و با توجه به طراحی کاربردی آن‌ها، بسیار پر نور و اثربخش بوده‌اند.

بخش دیگری از سفرنامه، در خصوص جشن و مسابقه‌ای که به دستور شاه صفوی رویاروی کاخ در حال برگزاری بوده توضیح می‌دهد که «به دستور شاه، پوشی به طول هشتاد و به پهنای سی پا و ارتفاع مناسب، روی پایه‌های مطلقاً برافراشته بودند» (همان: ۷۹۲). جهت راحتی شرکت‌کنندگان، بالش‌های زربفت نیز روی این قالی پرقیمت قرار داده بودند. شاردن علاوه بر موارد فوق به قفسه‌هایی که جایگاه ظروف ارزشمند بوده‌اند اشاره دارد: «در یک گوشه، قفسه‌ای وجود داشت که در آن، ظرف‌های زرین و جواهرنشان چیده شده بودند. این ظرف‌ها مخصوص نوشیدن انواع آشامیدنی‌ها بودند. در قفسه دیگر، بیست سینی طلایی پر از شیرینی‌های خشک و تر و انواع مربا قرار داشتند»

(همان)، در این بین به شاطرانی اشاره شده که وظیفه ایشان، احترام به افرادی بوده است که به دیدار پادشاه می‌آمدند. این شاطران با لباس‌هایی غیرمتحدالشکل و با رنگ‌های متنوع ظاهر می‌شدند. به نقل شاردن، در دوره صفوی، «در ایران هنوز این رسم وجود ندارد که خدمتکاران دربار و یا مقامات عالی‌رتبه لباس‌های یکسان بپوشند» (همان).

در نقلی دیگر، شاردن اشاره می‌کند هنگامی که شاه صفوی در هیرکانی به سر می‌برد، سفیر هلند را در خرگاه خاص خود پذیرفت. «وقتی شاه به اردوگاه می‌رود خیمه و خرگاهش چنان مجلل است که به وصف نمی‌گنجد» (همان: ۱۲۹۴). در این نقل قول اطلاعاتی پیرامون ملزومات این خرگاه ارائه شده است: «این پوش بزرگ شصت پا طول، سی و پنج پا پهنا، و سی پا بلندی داشت، و پنج ستون مدور که هر کدام به نسبت سنگینی که بر آن وارد می‌آمد ضخیم بود، و می‌توانست فشار را تحمل کند، آن را برپا می‌داشتند» (همان). او اشاره نموده که همه ستون‌های خیمه با زیورهای زیبا ترین گردیده بودند، به‌طوری که روی برخی از آن‌ها صفحات ضخیمی از طلای ناب و روی برخی دیگر ورقه‌هایی از نقره خالص مزین به نقوش متنوع نصب شده بودند. بر سرستون‌هایی که از سقف خرگاه به بیرون هدایت شده بودند نیز گوی‌های توپیر و بزرگی از زر دیده می‌شد. با توجه به فرم و جلوه این گوی‌ها، خیمه سلطان از مسافت دور قابل تشخیص و تمیز بوده است. تزیینات داخل خیمه نیز بر اساس منزلت پادشاهی طراحی و اجرا شده بودند، به‌طوری که در تمامی فضای داخلی خیمه، پارچه زربفت بسیار گران‌بهای سرتاسر دیوارها را تزیین نموده بود. فرش‌ها روی گوی‌های بزرگی از زر ناب گسترده بودند و گوی‌های زیر فرش تخت شاه نیز آراسته به جواهر گران‌بها بودند. بالش‌های تخت نیز به همین گونه پرتزین گزارش شده‌اند (همان) (نمودار ۵).



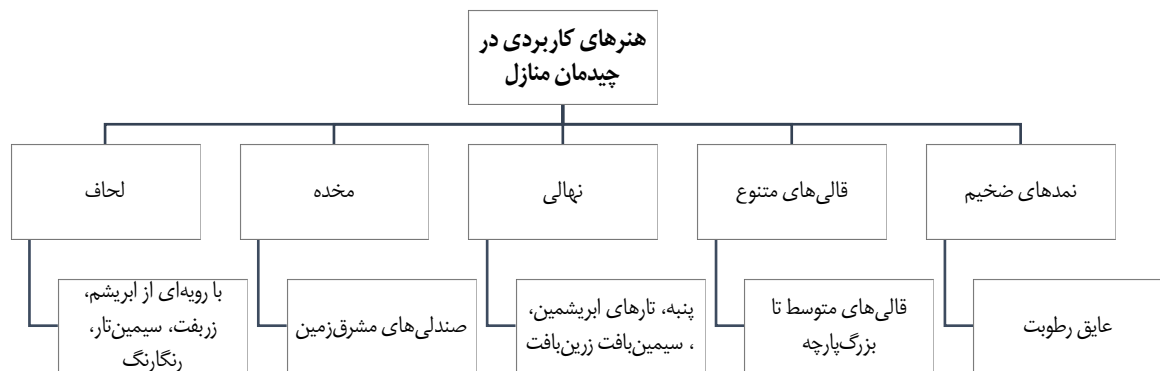
نمودار ۵: هنرهای کاربردی در خرگاه‌ها و خیمه‌های دوره صفوی (نگارندگان)

۷. هنرهای کاربردی در چیدمان منازل

شاردن در بخشی از مشاهدات خویش از اسباب و اثاثیه منازل ایرانیان سخن به میان آورده است. البته بیش‌تر مشاهدات وی در این خصوص، ناظر بر منازل طبقات بالای اجتماع آن زمان می‌باشد. وی سخن خود در این زمینه را چنین آغاز می‌کند: «اکنون می‌خواهم اندکی درباره اثاثیه خانه بگویم» (همان: ۸۱۳). بر اساس مشاهدات شاردن، ایرانیان ابتدا اتاق‌های خود را با نمدهای ضخیم فرش کرده و سپس بر روی آن یک یا در صورت بزرگ بودن اتاق، دو قالی می‌گذاشتند. وی خاصیت رطوبت‌زدایی نم را دلیلی بر استفاده از این ترتیب چیدمان می‌داند: «زیر قالی‌های اتاق‌های خود را نم‌پهن می‌کنند تا هم قالی از رطوبت حفظ شود و هم نشستن روی فرش نرم‌تر و راحت‌تر باشد» (همان: ۸۹۷). طبق اظهارات

او، در مشاهدات وی قالی‌های بزرگی وجود داشته که برخی از آن‌ها طولی بیش از شصت پا داشته‌اند: «این قالی‌ها آن قدر بزرگ و سنگین هستند که حتی دو مرد نیرومند نیز قادر به جابه‌جایی آن‌ها نیستند» (همان).

شاردن در ادامه مشاهدات خویش بیان می‌کند که ایرانیان همیشه دور تا دور اتاق را با نهالی‌های کوچک مفروش می‌کردند که هر یک پهنایی بیش‌تر از سه پا نداشتند. همچنین روی این نهالی‌ها، روپوشی از کتان یا پنبه، و گاهی روپوشی دارای تارهای ابریشمی سفید یا رنگی و رشته‌های زرین به کار می‌رفت. در کنار نهالی‌های مذکور، در طول اتاق، پشتی‌ها یا مخده‌های چهارگوشی قرار می‌دادند تا افراد بتوانند به آن‌ها تکیه دهند. او این نهالی‌های کوچک را صندلی‌های مشرق‌زمینی می‌نامد (همان: ۸۱۲). شاردن در مقام مقایسه با فرهنگ دیار خویش نقل نموده‌است که ایرانیان نه مانند اروپایی‌ها میز و صندلی و تخت‌خواب دارند و نه آئینه و میز گرد؛ «آن‌ها به مراتب راحت‌تر از ما که روی صندلی می‌نشینیم، روی فرش می‌نشینند. من به نشستن روی قالی به سبک ایرانیان آن قدر عادت کرده‌ام که نشستن روی صندلی برایم کمتر خوشایند است» (همان). از طرفی وی در راستای تبیین چیدمان منازل به وسایل خواب ایرانیان نیز می‌پردازد. او اعتقاد دارد که اتاق خواب ایرانیان بسیار ساده بوده‌است. به گونه‌ای که ابتدا نهالی را بر روی قالی می‌گسترانند و سپس ملحفه‌ای روی آن قرار می‌دادند. دو نازبالش زیر سر می‌گذاشته و با جامه خواب، خود را می‌پوشانند. همچنین اشاره می‌کند که معمولاً رویه نهالی از مخمل و رویه لحاف از پارچه ابریشم ساده، زربفت یا سیمین‌تار و در رنگ‌های مختلف تهیه می‌شده‌است. شاردن می‌گوید: «آن‌ها به راحتی بر روی قالی می‌خوابند، زیرا هوای خشک و سالم این منطقه نیاز به تخت‌خواب و میز و صندلی را از بین می‌برد» (همان: ۸۱۳). (نمودار ۶).



نمودار ۶: هنرهای کاربردی در چیدمان منازل دوره صفوی (نگارندگان)

۸. هنرهای کاربردی در هدایا

یکی از رسوم قابل توجه در فرهنگ ایرانی، سنت هدیه‌دادن است. در ایران، این سنت به دلایل گوناگونی از جمله مسائل سیاسی و اقتصادی رواج داشته‌است. پس از ورود اسلام، این رسم توسط خلفای اسلامی مورد حمایت و تأیید قرار گرفت و به حیات خود ادامه داد. به همین دلیل در دربار صفوی نیز تقدیم هدایای ارزشمند در مناسبت‌های مختلف و به شیوه‌های گوناگون مرسوم بود. به طور کلی، بر مبنای اطلاعات به دست آمده می‌توان به دو نوع از هدایا در دوره صفوی اشاره کرد. گروهی از آن‌ها از سوی شاه ایران به درباریان، سفرا و زبردستان اهدا می‌شدند؛ در حالی که گروه دیگر که از اهمیت بیش‌تری برخوردارند، شامل هدایایی هستند که زبردستان و سفرا به پادشاه تقدیم می‌کردند. نظر به ارزشمندبودن هدایا که اکثراً در دسته هنرهای کاربردی قرار می‌گرفته‌اند، شاردن در سفرنامه خویش در باب هدایایی که از سوی زبردستان به شاه تقدیم می‌گردیدند، بیان کرده‌است که رسم دربار این چنین بوده که همه هدایا به یکی از عمارات بزرگ دربار که شرابخانه نام داشته و به نگهداری مشروبات اختصاص داشته، منتقل می‌شده‌اند و آن‌ها را تحویل رئیس شرابخانه می‌دادند. بنابراین در روزهای بعد، کارشناسان باتجربه و متخصص در زمینه خود، هر یک از این هدایا را به دقت ارزیابی و قیمت‌گذاری می‌نمودند. پس از انجام این مراحل، هدایای ارزیابی شده میان افرادی که مسئول نگهداری انواع کالا بودند، توزیع می‌شدند. به عنوان مثال، فرش‌ها به فردی که مسئول دستگاه‌های بافندگی فرش شاهنشاه است، سپرده می‌شد و جواهرات به خزانه‌دار واگذار می‌گردید. مسئولان هر بخش موظف بودند بدون تأخیر، نام اشیائی را که دریافت کرده‌اند، به همراه مشخصات کامل آن‌ها در دفاتر مربوطه ثبت کنند (همان: ۶۵۲). این روند باید با دقت و صحت کامل انجام می‌شد و نظارت دقیق در ثبت و ضبط هدایا

موجب می‌شد که هیچ هدیه‌ای از قلم نیفتد و احتمالاً مفقود نگردد. ثبت کالا به قدری با وسواس انجام می‌گرفت که سال‌ها بعد هم می‌توانستند با مراجعه به دفاتر، فهرست هدایا را استخراج کنند. چنان‌چه شاردن هم اشاره می‌کند: «اگر بخواهند ویژگی‌های تمامی هدایایی را که در طول دوست سال به پادشاهان ایران تقدیم شده، مشخص کنند، با مراجعه به دفاتر مربوطه به آسانی به این اطلاعات دست می‌یابند» (همان).

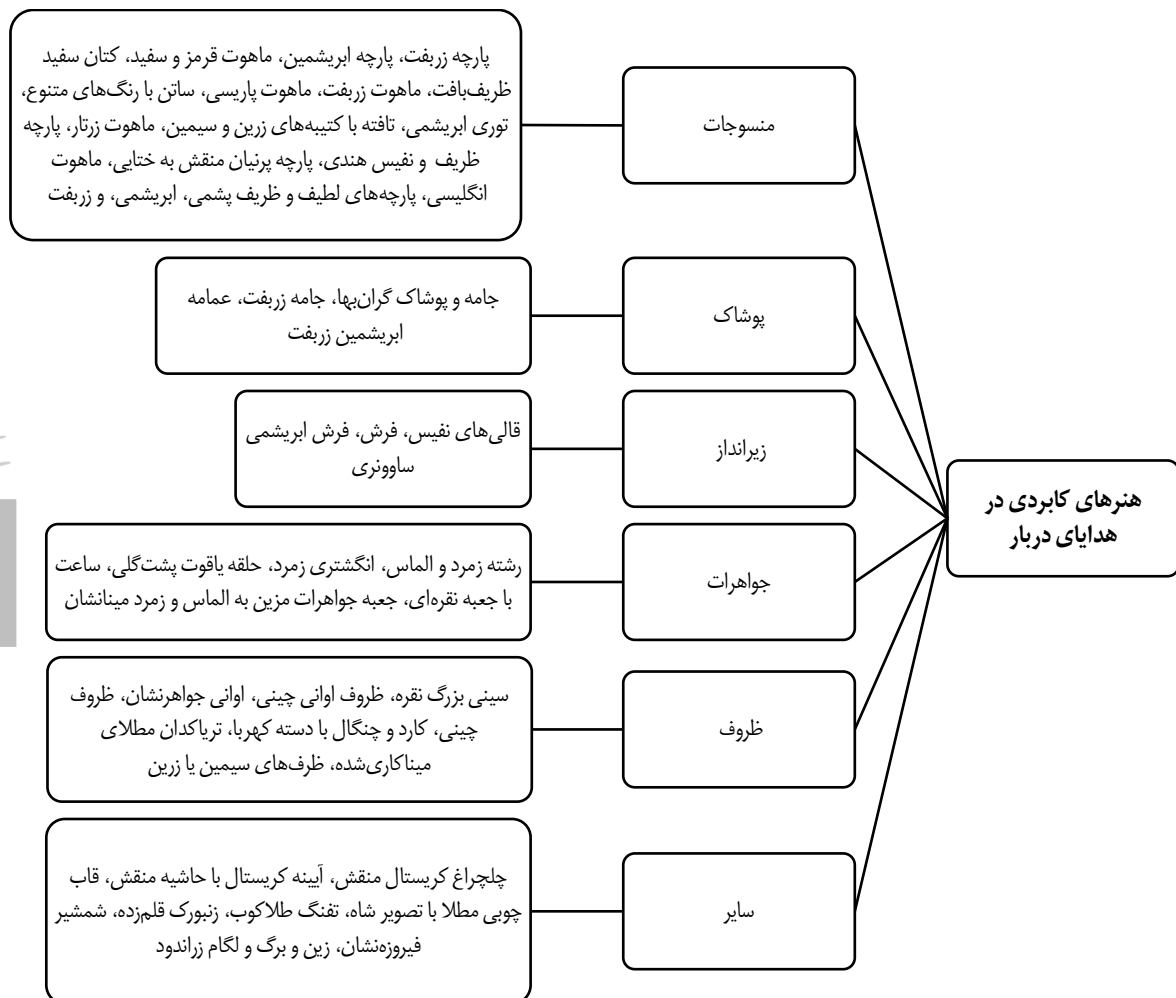
در سفرنامه شاردن در ذکر هدایایی که از طرف شاه ایران به سفیر هند اهدا شده‌اند به‌غیر از هدایای نقدی که محل بحث این مقاله نیستند، به هدایای غیرنقدی متنوعی اشاره گردیده‌است. برخی از این هدایای ارزشمند، انواع جواهرات، پارچه‌های زربفت گران‌بها، قالی‌های نفیس و دیگر تولیداتی بودند که در طبقه هنرهای کاربردی جای می‌گیرند (همان: ۱۳۰۱). در بخشی از این کتاب به شرح هدایایی که شاه به‌وسیله تربیت‌خان برای اورنگ زیب فرستاده‌بود، پرداخته شده‌است. پارچه‌های زربفت و ابریشمین گران‌قیمت و فیروزه‌ها و دیگر جواهرات اهدایی از جمله این هدایا به دربار گورکانیان بودند (همان: ۵۹۲). شاردن در نقل قول دیگری نیز به هدیه‌ای می‌پردازد که به فرمان شاه، برای نایب‌السلطنه اختصاص یافته بود. او روایت می‌نماید که پیشکش هدایا، طی مراسمی رسمی در دربار شکل می‌گرفت. دستیاران پادشاه هدایا را به‌صورت شایسته و منظم، در یک سینی بزرگ نقره در پیش پای نایب‌السلطنه گذاشته و او نیز پس از تعظیم به دست‌بوسی پادشاه نائل می‌گردید. فهرست هدایایی که شاردن از این مراسم گزارش کرده، شامل این موارد است: یک ساعت بزرگ که در جعبه‌ای قلم‌زده از جنس نقره جاسازی شده و بر اساس حرکات ماه کار می‌کرده؛ یک آیینۀ کریستال با قاب نقره؛ یک تریاکدان طلایی میناکاری‌شده؛ یک جعبه جراحی که با مهارت و ظرافت خاص، ابزار درون آن جاسازی شده بود؛ چند کارد و چاقو که برای تزئین دسته‌هایشان ساعت‌ها وقت صرف شده بود و ... (همان: ۳۷۴). در بخش دیگری از سفرنامه شاردن، به ماجرای میهمانی رفتن پادشاه به خانه صدراعظم اشاره شده‌است. او نقل می‌نماید که شاه از ساعت هشت صبح از کاخ خارج گردیده و رهسپار منزل صدراعظم شد، در حالی که به رسم و عادت قدیم، مسیر پادشاه با مرغوب‌ترین تولیدات هنری آن زمان مزین گردیده بود. «سراسر راه میان کاخ و سرای صدراعظم با قالی‌های زرتار و منسوجات زربفت فرش شده بود» (همان: ۵۵۱). در میانه راه، بزرگان و نوکرانی جهت تقدیم هدایا به شاه ایستاده بودند. این هدایا که از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار بودند، شامل پارچه‌های نرم و ظریف پشمی و ابریشمی، زربفت، ظروف نقره‌ای یا طلایی و چینی، زین و برگ و لگام‌های زرانود و سکه‌های طلا و نقره بودند. به نقل از شاردن، «در این مواقع، مسیر به‌طور خاص با فرش‌های گران‌بها یا پارچه‌های با ارزش پوشانده می‌شود» (همان).

همان‌طور که در متون تاریخی به دفعات مشاهده می‌شود، اهدای خلعت از سنت‌های منسوب به درباریان است. به‌طور معمول خلعت اختصاص به افرادی دارد که مورد عنایت بزرگان قرار می‌گیرند و اغلب هدایای بزرگان به زیردستان به‌صورت اهدای خلعت بوده‌است. البته در دوران تاریخی، خلعت به جامه دوخته محدود نبوده‌است، بلکه افزون بر آن، به گونه‌های گران‌مایه دیگری از هدایا نیز اشاره دارد. شاردن با عنایت به اهمیت موضوع اهدای خلعت در رسوم ایرانیان، شرح کاملی را بدان اختصاص می‌دهد. گویا در این دوره نیز گرفتن خلعت و دریافت جامه از شخص شاه، دارای رسم و آیین شکوهمندی بوده‌است. معمولاً بنایی که خلعت‌دادن در آن اتفاق می‌افتاده، بیرون از شهر بوده‌است. شاردن گزارش می‌دهد که برای این موضوع، باغی پرتجمل ساخته و نام آن مکان را «خلعت‌خانه» نامیده بودند. در این مراسم از مدعوین در سطح شهر یا دربار دعوت به عمل می‌آمده‌است. فرد مورد نظر به خلعت‌خانه می‌رفته و معمولاً این فضا به‌طور کامل با فرش‌های ذی‌قیمت پوشانده شده و اسباب پذیرایی شامل ظروف متنوع و تزئینات ارزشمند نیز زینت‌بخش مجلس می‌گردیده‌اند. این مراسم در زمانی سعد و مناسب که توسط منجمان تایید می‌شده، آغاز می‌گشته و هنگام دریافت خلعت، شخص مورد نظر از پادشاه سپاسگزاری و قدردانی می‌نموده‌است (همان: ۱۱۷۳).

در بخشی از سفرنامه شاردن به تحفه‌ها و هدایایی پرداخته شده‌است که سفیران کشورهای مختلف جهت خوش‌آمدگویی برای شاه ایران می‌آوردند. این هدایا گرچه بعضاً محصول کشورهای بیگانه بوده‌اند، لکن به دلیل آن‌که می‌توانستند با توجه به علایق پادشاهان و درباریان، در تولیدات بعدی هنرهای کاربردی ایران، بازتولید و گرده‌برداری شوند در این مبحث گنجانیده شده‌اند. از طرفی معتقد هستیم بسیاری از این هدایا با توجه به شناختی که از تمایلات فرهنگ بومی و درباری ایران صورت گرفته، تولید و جهت اهدا فراهم می‌گردیده‌اند. اهم این هدایا بدین شرح می‌باشند:

هدایای سفیر هند در این زمان شامل ماهوت زربفت، اوانی چینی و جواهر، انواع سکه‌های طلا، جامه و پارچه‌های گران‌بها، یک شمشیر فیروزه‌نشان و ... بود (همان: ۶۱۴). سفیر مسکو یک چلچراغ کریستال منقش، یک آیینۀ کوچک کریستالی با حاشیه منقوش، پنجاه قطعه

پوست سمور و صد و بیست ذراع ماهوت قرمز و سبز تقدیم نمود. هدایای سفیر لرگی شامل پنج پسر بچه خوش صورت با لباس های زربفت بود. هدایای سفیر فرانسه شامل یک رشته زمرد و الماس، یک انگشتر زمرد، یک حلقه یاقوت با پشت گلی، و یک جعبه مخصوص عکس مزین به الماس و زمرد بود که عکس مینانشان شاه در آن قرار داشت. هم چنین دو چلچراغ کریستال، چهار آئینه کریستالی به ارتفاع پنج پا که دوتای آن ها با حاشیه مس نقره کاری شده بودند، تصویر تمام قد پادشاه فرانسه با قاب چوبی مطالا، چهار قطعه پارچه زربفت، سه قطعه ساتن، پنج مارک توری ابریشمی، هفت قطعه کتان سفید بسیار ظریف بافت هند، شش تخته فرش ابریشمی زربفت ساوونری، دو هزار و سی و سه اون^۵ ماهوت بافت پاریس، چهار دوربین نجومی هر کدام به طول سه پا، سیصد و شش پارچه ظرف چینی به اندازه های مختلف ساخت چین، چهار قبضه تفنگ طلاکوب بسیار زیبا و ظریف، دو جفت تپانچه طلاکوب ظریف، و دو دستگاه زنبورک قلم زده که علامت کارخانه سازنده روی دستگاه نشانه گیری آن حک شده بود نیز به عنوان هدایای دیگر ارائه شدند (همان: ۶۵۰). هدایای نماینده انگلیس شامل سی پارچه ماهوت انگلیسی، چهل عمامه ابریشمی زربفت، چهل قطعه ساتن با رنگ ها و طرح های مختلف، سی قطعه تافته، بیست قطعه تافته با خطوط طلایی و نقره ای، دوازده قطعه پرنیان مزین به شاخ و برگ، و چهل پارچه کارد و چنگال با دسته هایی از جنس کهر با بود. هم چنین هدایای امیرالحاج شامل یک زین نقره با حاشیه ماهوت زرتار و تحفه حاکم جرون شامل سی قطعه پارچه ظریف و نفیس هندی و بیست قطعه پارچه زربفت بود (همان: ۶۱۳) (نمودار ۷).



نمودار ۷: هنرهای کاربردی در هدایای دربار دوره صفوی (نگارندگان)

۹. هنرهای کاربردی در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها

از سفرنامه‌شاردن اطلاعات نسبتاً کاملی از وضعیت کارگاه‌ها و کارخانه‌های این دوره را می‌توان استخراج نمود: کارخانه‌ها مستقیماً توسط دربار و خوانین و یا به‌صورت واگذاری به بخش خصوصی اداره می‌شدند؛ کارگاه‌های خصوصی در عرصه هنرهای کاربردی نیز فعالیت داشته‌اند؛ دسته سوم نیز به‌صورت شخصی محصولات خود را تولید و روانه بازار و حتی دربار می‌کردند. به‌طور مثال در بخشی از این کتاب، شاردن اشاره نموده که پادشاه دارای سی و دو کارخانه است که به‌طور میانگین در هر کدام از آن‌ها، صد و پنجاه کارگر مشغول به کار می‌باشند. «مثلاً هنگامی که من در اصفهان اقامت داشتم عده کارگران نقاش کارخانه هفتاد و دو، و شمار خیاطان صد و هشتاد نفر بود» (همان: ۱۴۲۰).

البته وی تأکید می‌نماید که در گذشته تعداد کارخانه‌های درباری بیش‌تر از این بوده و در حال حاضر بسیاری از کارگاه‌ها از جمله کارگاه‌های رنگرزی و ابریشم‌بافی به دلایلی تعطیل می‌باشند (همان). در زمینه قالی‌بافی، بخشی از محصولات با واگذاری به بخش خصوصی تولید می‌شد: «قالی را کارگرانی که در روستاها و آبادی‌ها زندگی می‌کنند و املاک شاه در اختیارشان است، می‌بافند و دستمزد خود را از اجاره‌بها کسر می‌کنند» (همان: ۱۴۳۱). هم‌چنین، در این نوع واگذاری‌ها، معمولاً افرادی به‌عنوان «ارباب تحویل» نقش واسطه را ایفا می‌کردند. وظیفه این افراد شامل خرید مواد اولیه، مدیریت تمامی کارگاه‌ها، انجام امور مالی و نظارت بر کیفیت کار بوده‌است (همان: ۱۴۲۱). شاردن از علاقه پادشاه صفوی به هنرهای کاربردی چنین سخن گفته‌است: پادشاه ایران از هر گروه متخصص و استادان حرفه‌ای از شهرهای مختلف در پایتخت و کارگاه‌های درباری خود جمع‌آوری کرده و برای هر حرفه و فن، کارگاه خاصی تأسیس کرده‌است. استادان و کارگران هر صنف در کارگاه‌های اختصاصی خود مشغول به کار هستند و اجازه ندارند در خانه یا مکان‌های دیگر فعالیت کنند. هم‌چنین، تمامی هزینه‌های آن‌ها پس از استخدام توسط دربار تأمین می‌شده است (همان: ۱۴۲۰).

با وجود این، در خصوص واگذاری کارگاه‌ها و یا واگذاری برخی فعالیت‌ها به بخش خصوصی نیز نقل قول‌های قابل توجهی موجود می‌باشد. در بخشی از سفرنامه، شاردن ذکر نموده که برای رنگرزی و نقاشی، کارخانه شاه را به استادان خصوصی شهر سپرده‌اند و برای این کار بودجه‌ای نیز اختصاص یافته‌است. همین موضوع در خصوص کارگاه‌های نساجی مصداق می‌یافت، به‌طوری که واگذاری برای رشتن و تابیدن نخ پارچه‌های معمولی، زربفت و ابریشمین نیز انجام می‌شد. هم‌چنین استناداتی در خصوص واگذاری مهیامودن نخ و خامه و ابریشم مخصوص بافتن قالی‌های درباری به بخش خصوصی موجود می‌باشد (همان: ۱۴۲۱). همان‌طور که ذکر شد خوانین نیز به مانند سلاطین چون دارای کاخ و دربار و تشکیلات اقتصادی و نیروی انسانی بوده‌اند، برای تبخت و فخرفروشی هم که شده ناگزیر به ساخت و پرداخت و نمایش دادن آثار هنری و تولیدات ارزشمند در قصر خویش بوده‌اند؛ به همین دلیل برخی از ایشان نیز دارای کارگاه‌های مخصوص به خود شدند. این نوع کارگاه‌ها هم برای مصرف داخلی و هم برای فروش به دیگران فعال بوده‌اند (همان: ۱۱۶۷). به‌طور مثال امام‌قلی‌خان در شیراز به‌جز مدرسه و مسجدی که ساخته‌بود چند کارخانه شیشه‌سازی داشته و محصولاتش را تولید و عرضه می‌نمود (همان: ۱۸۷۹).

در پی بررسی و تحلیل متن سفرنامه شاردن، کارگاه‌ها و کارخانه‌هایی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به حوزه هنرهای کاربردی مرتبط بوده‌اند را می‌توان به این شرح بیان نمود:

در بیرون شهر اصفهان کارخانه‌های مختلفی وجود داشته که یکی از آن‌ها کارخانه کاغذسازی بوده‌است (همان: ۱۵۷۶). هم‌چنین به چند کارخانه بلورسازی در شهرهای شیراز و کرمان نیز اشاره شده که غالباً مصنوع آن‌ها ته‌قلیان‌هایی است که بسیار ظریف و زیبا ساخته و پرداخته می‌شده‌اند به‌طوری که مایه شگفتی و تحسین بینندگان خارجی را به همراه داشته‌اند (همان: ۱۷۷۲). در شهر قم نیز چهار کارگاه شیشه‌سازی، سی باب کارخانه کاسه‌سازی و ... وجود داشته‌است (همان: ۱۸۹۸). در بخشی از کتاب، نویسنده به کارخانه‌های شیشه‌سازی اصفهان و شیراز اشاره و تولیدات این دو شهر را از نظر کیفیت مقایسه می‌کند. او بر این باور است که شیشه‌های تولیدی کارخانه شیشه‌سازی شیراز نسبت به تولیدات اصفهان برتری بیش‌تری از نظر کیفیت دارد. به عقیده او، شیشه‌هایی که در اصفهان تولید می‌شدند، کیفیت پایین‌تری داشته و بیش‌تر شیشه‌های شکسته را ذوب کرده و دوباره می‌ساختند. شاردن می‌گوید: «گفتنی است که بیش از هشتاد سال نیست که صنعتگران ایران با فن شیشه‌سازی آشنا شده‌اند» (همان: ۸۹۲). شهر میانه از جمله شهرهایی بوده که کارخانه‌های قالیبافی بسیاری در آن ایجاد شده بود. شاردن مدعی است در این شهر قالی را از نخ پشم شتر می‌بافتند، و قالیبافان در ترکیب الوان قالی‌های تولیدی حُسن سلیقه بسیاری به خرج می‌دادند (همان: ۱۹۳۱).

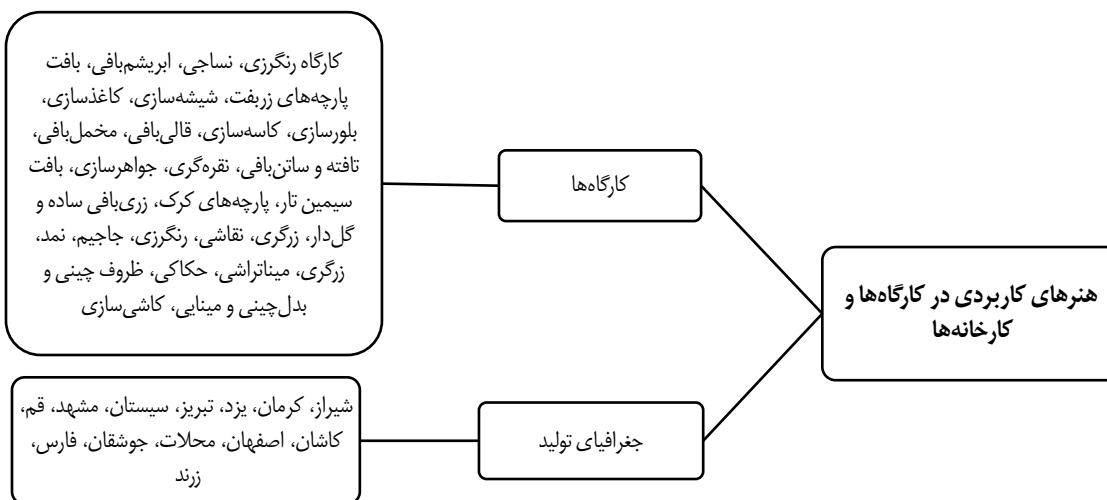
شاردن به کیفیت بالای چینی‌سازی، سفال‌گری و کاشی‌سازی در ایران نیز اشاره می‌کند. وی که کارگاه‌های تولید ظروف سفالی را در اکثر مناطق ایران مشاهده کرده، می‌نویسد: «سفالگری به‌ویژه در شیراز، مرکز ایالت فارس، مشهد، مرکز باکتیریا، و هم‌چنین در یزد و کرمان، به‌ویژه در شهرک زرنده، به‌طور گسترده‌ای رواج دارد» (همان: ۸۸۰). او هم‌چنین توضیح می‌دهد که هنرمندان این صنعت، داخل و خارج این ظروف را با ماده‌ای آبی، رنگ می‌کنند تا به آن‌ها جلا بخشند. «ظروف کاشی یا بدل چینی به قدری ظریف و شفاف و با مهارت ساخته می‌شوند که تفاوت زیادی با چینی‌های تولیدشده در چین ندارند» (همان: ۸۸۰). او در نقل قول دیگری بیان کرده است که چینی‌های تولیدشده در ایران از نظر ظرافت، جلا، شفافیت و رنگ‌آمیزی، با مصنوعات چینی برابری می‌کنند و گاهی حتی کیفیت بهتری از آن‌ها دارند. البته تأکید می‌کند که این مقایسه به تولیدات معاصر مربوط می‌شود و تولیدات قدیم چین از کیفیت بالاتری نسبت به محصولات ایرانی برخوردارند: «در این مقایسه نظر من به مصنوعات جدید چین است، نه چینی‌های قدیم آن سرزمین» (همان). او در توصیف چینی‌های ایرانی فراتر رفته و اشاره می‌کند که هلندی‌ها بسیاری از رموز چینی‌سازی، کاشی‌کاری و سفال‌سازی را از ایرانیان آموخته‌اند. هم‌چنین می‌افزاید:

اگر هلندی‌ها در کشورشان آب‌هایی به روشنی و صفای آب‌های ایران و چین داشتند و هوای کشورشان نیز مانند هوای چین و ایران خشک و صاف بود، شاید می‌توانستند صنعتگران ماهر این رشته، مصنوعات مشابهی به ساخته‌های ایران و چین تولید کنند (همان). شاردن تأکید می‌کند که از نظر فنی، شرط استمرار و ماندگاری جلا و رنگ ظروف چینی و بدل چینی و مینا، خشکی هوا و پاکی آب است: «زیرا برخی آب‌ها رنگ نقاشی‌های روی ظرف‌ها را کدر می‌کنند و برخی دیگر بر جلوه و ثبات آن‌ها می‌افزایند» (همان).

در این سفرنامه به تولیدات متنوع شهر تبریز نیز اشاره شده است. گویا صنعت نساجی و ابریشم‌بافی و زرگری در کارگاه‌های آن شهر در اوج ترقی بوده و بهترین نوع دستار نیز در کارگاه‌های آن، تولید می‌شده است. از بازرگانان این شهر به شاردن گزارش داده بودند که هر سال متجاوز از شش هزار عدل ابریشم در کارگاه‌های تبریز تولید می‌شود (همان: ۴۸۰). در این دوره شهر کاشان به‌عنوان یکی از تولیدکنندگان معتبر منسوجات شناخته می‌شده است. طبق گفته شاردن، درآمد مردم کاشان عمدتاً به پیشرفت‌های نساجی و تولید زیراندازها و فلزکاری وابسته بوده است. «کارگاه‌های ابریشم‌بافی و هنر نقره‌کاری در این شهر وجود دارد. در هیچ‌یک از شهرهای ایران به‌اندازه کاشان صنعت مخمل‌بافی، بافت تافته، ساتن و پارچه‌های زربفت و زری ساده و گلدار رونق ندارد» (همان: ۶۷۱). بر اساس گزارشی که شاردن ارائه کرده، در یکی از روستاهای اطراف شهر کاشان، هزار کارگر در زمینه بافت انواع پارچه‌های ابریشمی فعالیت می‌کردند (همان: ۵۳۷). در این دوره، هنر - صنعت نساجی از نظر اقتصادی حائز اهمیت بسیار بوده است، به‌طوری که او اشاره می‌کند در برخی کارگاه‌های ایران، منسوجات زربفتی تولید می‌شده که هر «گز» از آن، ارزش پنجاه تومان داشته است (همان: ۸۹۶). از طرفی وی بارها تأکید نموده که بهترین پارچه‌های زربفت و سیمین‌تار، در کارخانه‌های یزد، کاشان و اصفهان تولید می‌شده‌اند (همان: ۸۹۷). پارچه‌های بافته‌شده از کرک و پشم شتر عمدتاً در کارگاه‌های یزد و کرمان تولید می‌شدند. شاردن می‌نویسد اگرچه کرک شتر به نرمی موی بیدستر شناخته می‌شود، اما به‌رغم لطافت و ظرافت آن، از نظر دوام چندان قابل اعتماد نیست (همان). در میان کارگاه‌های مشاهده‌شده توسط شاردن، کارگاه‌های زرگری نیز برجسته و جالب توجه هستند. او اشاره کرده که در دربار، کارگاه‌هایی دیده که کارگران با دقت و هنر ویژه‌ای در حال ترمیم صفحات زراندود بارگاه امام هشتم (ع) بوده‌اند: «روز نهم برای مشاهده فعالیت‌های هنری زرگرهای شاه به کارگاهشان رفتم. به دستور شاه، آنان مشغول ساخت صفحات مسی زراندود بودند تا گنبد مسجد حضرت رضا را، که بر اثر زلزله فرو ریخته بود، از نو بسازند و با آن صفحات زراندود پوشش دهند» (همان: ۶۷۱).

گویا جواهرفروشی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مشاغل این دوره به‌شمار می‌آمده و مسئول آن را زرگرباشی نام نهاده بودند (همان: ۱۲۱۹). زرگرباشی بر کلیه کارگاه‌های طلاکاری و نقره‌گری، و همه فعالیت‌های جواهرسازان، زرگران و نقره‌کاران، هم‌چنین بر تمامی کارگاه‌ها و زرگرانی که برای شاه کار می‌کردند نظارت داشته است (همان: ۱۲۲۰). از طرفی در حوزه زیراندازها بر اساس اطلاعاتی که شاردن به‌دست آورده، مهم‌ترین و بهترین کارگاه‌های قالی‌بافی ایران در کرمان و سیستان فعال بوده‌اند. هرچند در بخش‌های دیگر کتاب نیز به سایر مراکز ایران در این زمینه تولیدی اشاراتی می‌نماید (همان: ۸۹۶). در شهرهای محلات و جوشقان نیز کارگاه‌های بافت قالی فعال بوده و معمولاً محل فروش آن‌ها در کاروانسرای مشهور به عربان در شهر محلات بوده است. «قالی کار محلات در آن‌جا خریدوفروش می‌شود، و مردم جوشقان که قالیابند در آن‌جا هستند» (همان: ۱۹۰۳). در کاروانسرای خراسانیان نیز بازار و کارگاه رنگرزان را معرفی نموده و ذکر می‌کند که در آن‌جا تولیدات کارگاه‌های این شهر از جمله نمد مشهدی، جاجیم و قالی خراسانی خرید و فروش می‌شده‌اند (همان: ۱۹۰۴). هم‌چنین در کاروانسرای شاه اصفهان که در

چهارسوی قیصریه واقع گردیده، کارگاه‌هایی را ذکر نموده که آثار هنرهای کاربردی از جمله زرگری، میناتراشی، حکاکی جواهرات و ... را تولید می‌نموده‌اند (همان: ۱۹۰۱) (نمودار ۸).



نمودار ۸: هنرهای کاربردی در کارگاه‌ها و کارخانه‌های دوره صفوی (نگارندگان)

۱۰. هنرهای کاربردی در کاخ‌ها

در تشریح وقایعی که در کاخ‌ها و قصرهای شاهان و وابستگان ایشان ارائه شده، انعکاس قابل تأملی از تولیدات در حوزه هنرهای کاربردی دوره صفوی به چشم می‌خورد. در بخشی از کتاب که به ماجرای دیدار یک هیئت با نایب‌السلطنه پرداخته، توصیف یکی از کاخ‌های صفوی قابل تأمل می‌باشد. شاردن طول تالار محل برگزاری دیدار را صد و ده پا و عرض آن را چهل پا وصف نموده‌است. وی سقف تالار را که روی چندین ستون با ارتفاع سی و پنج تا چهل پا قرار داشته، بسیار زیبا و مزین به رنگ طلایی و تماماً خاتم‌کاری شده و مزین به نقوش متنوع توصیف نموده‌است. هم‌چنین شاردن اشاره می‌کند که کف تالار را با بهترین قالی‌های آن زمان مفروش و مزین کرده بودند (همان: ۳۶۰).

در میان رویدادهای برگزارشده در کاخ‌ها و قصرهای درباری و وابستگان ایشان، معمولاً مراسم تشریف‌فرمایی شخص شاه با شکوه هرچه تمام‌تر برگزار می‌گردید. در بخشی از کتاب، شاردن از بازدید خود از مراسمی که توسط پیشکاران پیش از حضور شاه مهیا شده بوده سخن رانده‌است: «ناظر، قبل از ورود شاه، مرا دعوت کرد تا مقدماتی که برای پذیرایی فراهم کرده بود را ببینم. هم‌زمان با طلوع خورشید به کاخش که نزدیک قصر پادشاه بود، رفتم. گذرگاه شاه را به زیبایی شن‌ریزی کرده بودند. در یک سمت مسیر، فرش‌های زربفت پهن شده بود و سمت دیگر را با گل‌های خوش‌رنگ تزئین نموده بودند» (همان: ۱۶۳۱). شاردن عمارتی که برای تشریف‌فرمایی شاه اختصاص یافته بود را بسیار خوش‌منظر توصیف می‌نماید. این عمارت در میان باغی زیبا قرار داشته و در میانه باغ، حوض بزرگی قرار داشته که تماماً از سنگ مرمر شفاف ساخته شده بوده و اطراف آن نیز فواره‌های زیبا با فواصل معین جای‌گذاری شده بودند. اطراف این حوض بسیار زیبا و پرکار، با فرش‌های زربفت و ابریشمین پرکار مفروش گشته بود. جهت ایجاد محل نشستن برانزده و شایسته، نهالی‌هایی گران‌بها و کوچک قرار داده بودند که با دقت فراوان قلابدوزی شده بودند. در میان تالار وسیع پذیرایی این کاخ، حوض مربع‌شکل و بزرگی با چهار فواره فعال قرار داشته‌است. این تالار به‌طور کامل با فرش‌های ابریشمی زرتار و بی‌نظیر پوشیده شده و اطراف آن را نازبالش‌های زیبا و گران‌بها احاطه کرده بود. در چهار طرف هر حوض نیز مجمرهای نقره‌ای و طلایی برای خوشبوکردن فضا تعبیه شده بود که عطر دلپذیری به محیط می‌بخشید (همان: ۶۳۱).

در بخش دیگری از این کتاب، شاردن در باب دعوت شاه صفوی به قصر صدراعظم وقت، شیخ علی خان سخن رانده‌است. گویا مرسوم بوده که سرتاسر راهی که پادشاه قصد پیمایش آن را داشته، با هنرهای مختلف و نفیس مزین می‌نموده‌اند:

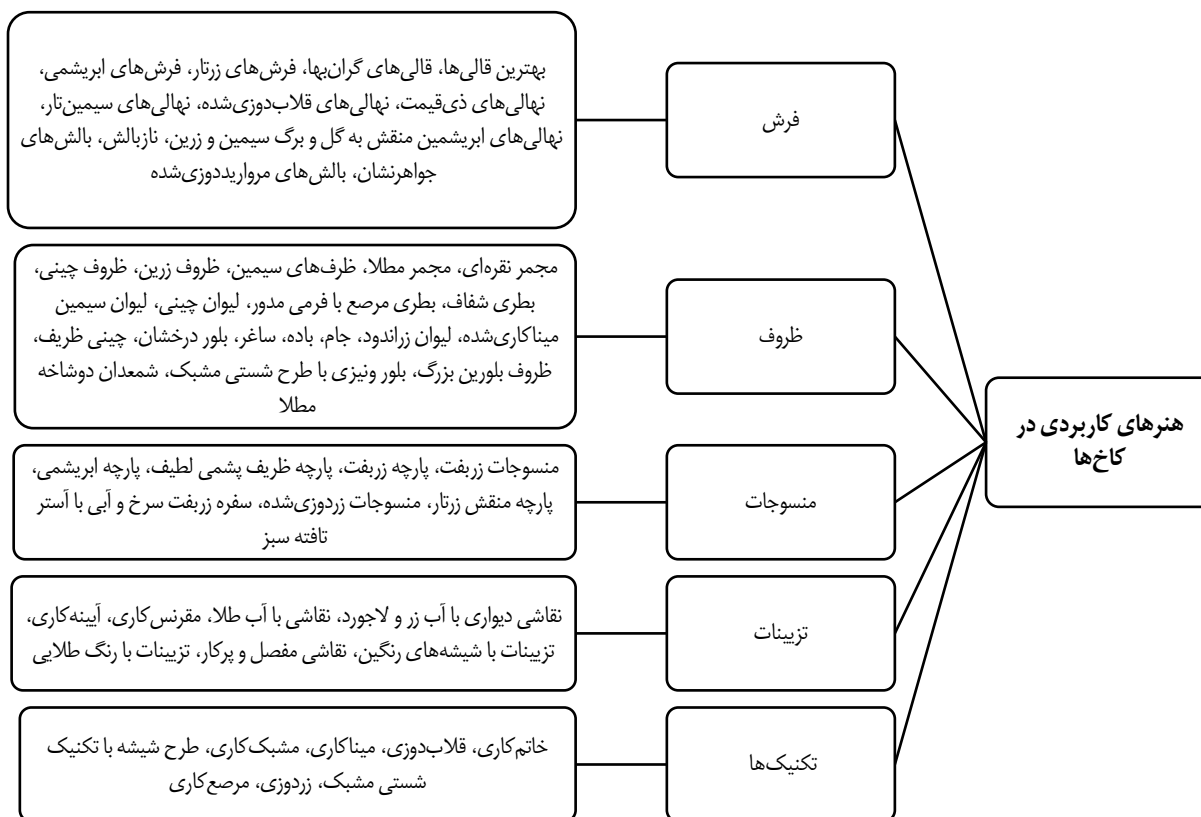
میان کاخ و خانه صدراعظم با فرش‌های زرتار و منسوجات زربفت پوشیده شده بود. در دو طرف مسیر، افسران و نوکران به صف ایستاده بودند و هر یک هدیه‌ای برای تقدیم به حضور شاهنشاه در دست داشتند. از جمله هدایایی که در این مسیر به پادشاه تقدیم می‌شد،

می‌توان به پارچه‌های لطیف و ظریف پشمی، ابریشمی و زربفت، ظروف نقره‌ای و طلایی، ظروف چینی، زین و برگ و لگام‌های زراندود و سکه‌های طلا و نقره اشاره کرد. همچنین مسیر حرکت پادشاه تا مقصد نهایی با فرش‌های گران‌بها و پارچه‌های قیمتی و منسوجات زربفت تزئین و مزین شده بود. (همان: ۵۵۱)

همچنین در نقل قول دیگری از سفرنامه شاردن در خصوص ضیافتی که با حضور تجار انگلیسی برگزار شده بود، موضوعات قابل توجهی طرح گردیده‌اند. وی در این باب ذکر نموده که شرکت‌کنندگان ضیافت در سالن بزرگی به‌شکل چندضلعی که از هر سمت به باغ مشرف بود جمع شده بودند. بالای این تالار گنبدی بوده که بر روی چهار طاق هلال‌وار ساخته شده بوده‌است. دیوار این گنبد نیز به روش صفویان، نقاشی شده بود: «سراسر دیوار آن با آب زر و لاجورد به شیوه‌ای بس زیبا هنرمندانه نقاشی شده بود» (همان: ۱۳۵۴). شاردن رسم ایرانیان در جای‌گذاری طاقچه‌هایی بر روی دیوارها را گزارش نموده که در هر یک از آن‌ها ظروف سیمین و چینی پرکار و تزئینی نهاده بودند. کف این تالار را با قالی‌های بسیار زیبا و خوش‌بافت مفروش نموده بودند و اطراف آن را نیز با پشته‌های چهارگوش زربفت تزئین کرده بودند. گویا بر دیوار دهلیز پشت تالار نیز با آب طلا، نقاشی‌های متنوعی تصویر کرده بودند. از طرفی لوازم غذاخوری را روی دو سفره زربفت چیده بودند که متن آن‌ها سرخ و آبی بود و آستر تافته سبز نیز داشت که در این چیدمان قابل تأمل بوده‌است. دو جین بطری شفاف که کاربرد آن‌ها سرو شراب ذکر گردیده در این کاخ خودنمایی می‌نموده‌اند و این بطری‌های مرصع با فرمی مدور و با گلوبی به‌اندازه هشت بند انگشت طراحی شده بودند. علاوه بر آن‌ها، لیوان‌های زیبایی چینی، لیوان‌های سیمین میناکاری شده و لیوان‌های زراندود نیز زینت‌بخش مجلس بودند (همان: ۱۳۵۵).

در توصیف دیگری از شاه‌نشین یک کاخ صفوی، انواع هنرهای کاربردی قابل پیگیری می‌باشند. شاردن در شرح میانه تالار، حوض بزرگی را توصیف نموده که در اطراف آن از سنگ سماق جهت تزئین استفاده کرده بودند. از طرفی وی بیان می‌کند که سرتاسر دیوار تالار تا ارتفاع هشت پا از سنگ یشم پوشیده شده بود، این در حالی است که در ارتفاع بالاتر، رف یا طاقچه‌ای ایجاد کرده بودند که مقرنس بوده‌است. این طاقچه مقرنس از تنوع بسیاری از طرح‌های بدیع و ظریف تشکیل شده و انواع ظروف نفیس نیز در آن جای گرفته بوده‌اند. کف این تالار نیز با فرش‌های ابریشمین زرتار پوشیده شده بوده‌است. با استناد به توصیفات شاردن، این تزئینات به قدری متنوع، نفیس، پرکار و زیبا بودند که در تشریح آن‌ها معمولاً به فراوانی از جملات اغراق‌آمیز استفاده کرده‌است: «در سرتاسر جهان، هیچ‌چیزی به اندازه این ظروف، جام‌ها و ساغر‌ها که از بلورهای درخشان، انواع عقیق، یشم، کهربا، مرجان، چینی‌های ظریف، سنگ‌های قیمتی، طلا، نقره و مینا ساخته شده‌اند، ظرافت، زیبایی و جذابیت ندارد و نمی‌تواند شادی‌آفرین باشد» (همان: ۱۴۴۸). ظرف‌های بزرگ بلوری، بلورهای ونیزی با طرح‌های شستی و تراش و مشبک‌کاری ساخته شده، سقف خاتم‌کاری و زراندود، آیینه و شیشه‌های رنگارنگ پوشیده شده، بالش‌های بزرگ مروریددوزی و جواهرنشان، پرده‌های کلفت دو رویه از پارچه‌های منقش زرتار، نقاشی‌های مفصلی که بیش‌تر سطح دیوار را در بر گرفته‌اند، از جمله مواردی هستند که از زاویه دید شاردن در این تالار حائز اهمیت بوده‌اند (همان: ۱۴۴۹).

شاردن هم‌چنین در وصف فضایی دیگر که جهت تاج‌گذاری شاه مهیا گردیده بود شرحی از تولیدات مورد نظر را بیان می‌کند. «روز بعد از برگزاری مراسم تاج‌گذاری، موفق شدم آن تالار را با تمام تزئیناتش به دلخواه مشاهده کنم؛ و اکنون به توصیف و شرح آن می‌پردازم» (همان: ۱۶۳۷). گویا دو تالار در اطراف محل تاج‌گذاری بوده‌اند که تماماً با قالی‌های ابریشمی مفروش شده بودند. وی این فرش ابریشمین را هم به جهت رنگ و هم به جهت طرح، بسیار متنوع و دلنشین وصف نموده‌است. شاردن به نهالی‌چه‌های چهارگوشه زربفت اشاره می‌کند که با تارهای سیمین، گل‌هایی را بر آن‌ها نقش زده و دانه‌های الماس و انواع گوه‌های درخشان را بر آن نشانده بودند. نهالی‌چه‌های گوشه‌ای که رویه آن پارچه زربفت و منقش به گل‌های کوچک سرخ و برگ‌های سبز بود، نهالی‌های کوچک سیمین که روی آن‌ها روپوش بسیار ظریفی از منسوجات زردوزی هند وجود داشت، قالی‌های ابریشمین بسیار نفیس منقش به گل‌های زین و سیمین در میانه تالار، نهالی‌چه‌های مخمل ابریشمین بسیار گران‌بهای بافت ایران در بخشی دیگر از تالار که منقش به گل و برگ طلا و نقره بودند، شمعدان‌های دوشاخه مطلا، تخت شاهی مخصوص تاج‌گذاری تماماً منقش و مرصع به نقره و طلا و سنگ‌های قیمتی، و جنگ‌افزارهای جواهرنشان بخش دیگری از ملزوماتی هستند که در این عمارت چشم هر بیننده‌ای را به خویش جذب می‌نموده‌اند (همان: ۱۶۳۷) (نمودار ۹).



نمودار ۹: هنرهای کاربردی در کاخ‌های دوره صفوی (نگارندگان)

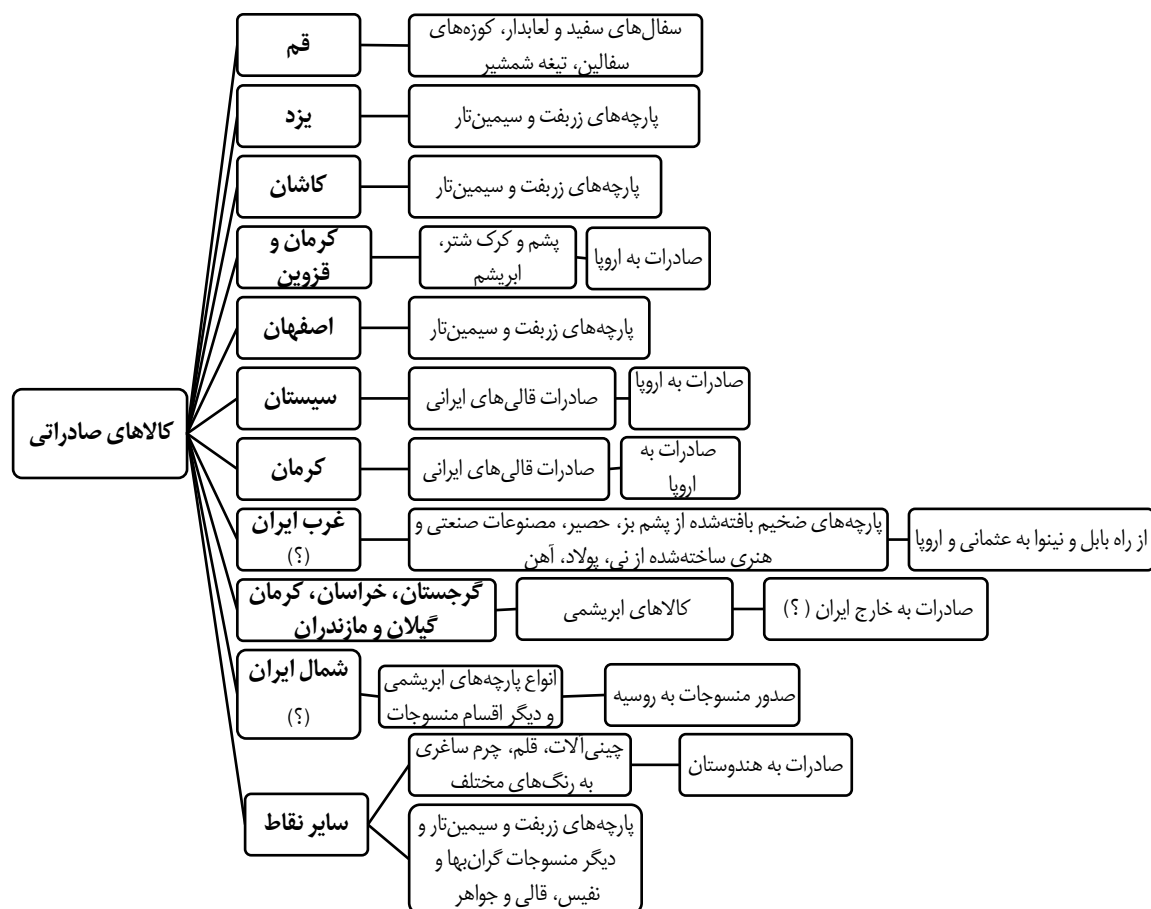
۱۱. هنرهای کاربردی در صادرات

در متن سفرنامه شاردن اطلاعاتی در خصوص صادرات در حوزه هنرهای کاربردی را می‌توان رصد نمود. قم، یزد، کاشان، کرمان، قزوین، اصفهان و ... از جمله شهرهایی معرفی گردیده‌اند که در رابطه با تولیدات دوره صفوی بر سکوی صادرات قرار می‌گرفته‌اند. شاردن در مورد تولیدات شهر قم اشاره می‌کند که سفال‌های سفید و لعابدار، کوزه‌های سفالی و تیغه‌های شمشیر که به‌خاطر کیفیت و جنس خود در سراسر ایران معروف هستند، از جمله مهم‌ترین صادرات این شهر به‌شمار می‌روند (همان: ۵۲۱). از طرفی بهترین پارچه‌های زربفت و سیمین‌تار را در زمره محصولات کارخانه‌های یزد، کاشان و اصفهان ذکر نموده به‌طوری که این‌گونه منسوجات نیز جنبه صادراتی داشته‌اند. هم‌چنین شاردن با توجه به گزارشات و مشاهدات خویش در خصوص صادرات فرش ایران به اروپا نکته قابل تأملی را ذکر می‌نماید. او معتقد است در این دوره بسیاری از قالی‌ها با توجه به نفیس بودن آن‌ها به اروپا صادر می‌شده‌اند، اما اروپاییان قالی‌های ایرانی را به نادرست، قالی‌های عثمانی می‌خوانده‌اند زیرا پیش از آن که مسیر تجاری ایران به اروپا از طریق اقیانوس برقرار شود، این نوع تولیدات از طریق کشور تحت سلطه عثمانی در آسیای صغیر به اروپا صادر می‌شدند (همان: ۸۹۷).

از دیگر کالاهایی که از طریق بابل و نینوا به غرب ایران و سپس به امپراتوری عثمانی و احتمالاً از آن‌جا به اروپا صادر می‌شدند، می‌توان به توره‌های ماهیگیری، پارچه‌های ضخیم بافته‌شده از پشم بز، حصیر و سایر مصنوعات صنعتی و هنری ساخته‌شده از نی، فولاد و آهن اشاره کرد. به نظر می‌رسد برخی از این محصولات، به‌رغم ممنوعیت‌ها، هم‌چنان صادر می‌شده‌اند. «گرچه صدور آهن و فولاد به هر صورت که باشد ممنوع است اما در عمل صادر می‌شود» (همان: ۹۰۴). از طرفی صادرات به روسیه نیز رونق داشته‌است و شاردن در خصوص اقلام صادراتی به شهر مسکو در این دوره از انواع پارچه‌های ابریشمی و دیگر اقسام منسوجات و هم‌چنین پوست گوسفند نام برده‌است (همان: ۹۰۴). پشم و کرک شتر نیز از جمله صادرات ایران به اروپا بوده‌است. گویا بهترین انواع کرک شتر از کرمان و قزوین به‌دست می‌آمده و علاوه بر پشم شتر، مقدار زیادی

ابریشم به صورت خام و یا مصنوع به خارج از کشور صادر می گردیده است (همان: ۸۹۵). «مهم ترین کالاهای صادراتی ایران ابریشم است که عمدتاً در گرجستان، خراسان، کرمان و بهویژه در گیلان و مازندران - هیرکانی - تولید می شود» (همان: ۹۰۲). علاوه بر اروپا و عثمانی، صادرات به شرق، از جمله هندوستان نیز رونق داشته است. مهم ترین صادرات ایران به هند شامل چینی آلات، قلم و چرم ساغری در رنگ های مختلف بوده است (همان: ۹۰۳).

در ایران برخی تجار دارای کشتی های تجاری بوده اند و به سبب تجارتشان کالاهایی را به خارج صادر می نموده اند، و در مقابل، کالاهای گوناگونی وارد می کرده اند. این موضوع در خصوص دربار ایران نیز صدق می نمود که ابریشم، پارچه های زرین و سیمین تار و دیگر منسوجات گران بها و نفیس، هم چنین قالی و جواهرات را به خارج از کشور صادر می کردند. شاردن اشاره کرده است که تجارت در ایران از اعتبار و احترام بالایی برخوردار بوده و بازرگانان در نظر مردم دارای مقام و منزلت ویژه ای بودند (همان: ۸۹۹). در بخشی از این کتاب به تأسیس کمپانی هند شرقی اشاره گردیده است، گویا شعبه ای از این کمپانی در سال ۱۶۲۳ میلادی در ایران تأسیس گردید و تجارت آن چندین سال منحصرأً با شاه و دربار ایران بود. تبادل کالا در این زمان با این کمپانی صورت می گرفت و در مقابل آن چه کمپانی به انبار شاه تحویل می داد، کالاهایی از قبیل پشم، قالی، ابریشم و پارچه های زرین و سیمین تار می گردید (همان: ۶۱۲) (نمودار ۱۰). در توضیح این نمودار باید گفت مواردی که با «؟» همراه شده اند، در سفرنامه شاردن به صراحت بیان نشده اند.



نمودار ۱۰: دسته بندی هنرهای کاربردی در کالاهای صادراتی دوره صفوی (نگارندگان)

۱۲. دسته‌بندی هنرهای کاربردی دوره صفوی بر اساس متن سفرنامه

با استناد به سفرنامه شاردن، هنرهای کاربردی در دوره صفوی تنوع قابل توجهی داشته‌اند. در استخراج این تولیدات پس از دسته‌بندی مفاهیم و رویدادهایی که توانمندی قابل قبولی جهت استخراج تولیدات هنری این دوره را داشت، سعی شد تا تولیدات مذکور معرفی گردند. در این بخش با توجه به تنوع واژگان و کاربردهای مختلفی که از این کلمات احصاء شدند، کوشش گردید تا این دسته‌بندی صورت پذیرد. پس از تحلیل محتوای کمی و کیفی، دسته‌بندی نه‌گانه‌ای با عناوین پوشاک، منسوجات، زیراندازها، ظروف، تزیینات کاربردی، کتیبه‌نویسی، جواهرات، تزیینات وابسته به معماری و سایر تولیدات ایجاد گردید (جدول ۱). در این دسته‌بندی بیش‌ترین اطلاعات به‌ترتیب به منسوجات، ظروف، تزیینات کاربردی و زیراندازها مربوط بودند. علاوه بر آن در این دسته‌بندی افزون بر معرفی و دسته‌بندی تولیدات در حوزه هنرهای کاربردی سعی شده تا براساس اطلاعاتی که در متن ارائه گردیده، به طرح و نقش، رنگ، و همچنین مواد اولیه و تکنیک آثار نیز پرداخته شود.

جدول ۱: دسته‌بندی هنرهای کاربردی دوره صفوی (نگارندگان)

محصول	فهرست مرتبط	طرح و نقش و رنگ	مواد اولیه و تکنیک
پوشاک	جامه و پوشاک گران‌بها، عمامه		جامه زررفت، عمامه ابریشمین زررفت، قلابدوزی
منسوجات	روپوش مقبره، پارچه، مخمل، ساتن، توری، کتان، ماهوت، ماهوت پارسی، ماهوت انگلیسی، تافته، پارچه نفیس هندی، ابریشم، زری‌بافی، سفره	پارچه پرکار، روپوش ارغوانی، ماهوت قرمز و سفید، کتان سفید، ساتن با رنگ‌های متنوع، تافته با کتیبه‌های زرین و سیمین، پارچه پرنیان منقش به ختایی، زری‌بافی ساده و گلدار، پارچه منقش، سفره سرخ و آبی با آستر تافته سبز، مخمل زمینه طلایی	روپوش زررفت، پارچه‌های آستر زررفت، روپوش مله‌کاری شده، پارچه زررفت، منسوجات سیمین‌تار، مخمل زررفت، پارچه ابریشمین، کتان ظریف‌بافت، ماهوت زررفت، توری ابریشمی، تافته زرین و سیمین‌بافت، ماهوت زرتار، پارچه پرنیان، پارچه‌های لطیف و ظریف پشمی، پارچه مخمل زررفت، بافت سیمین‌تار، پارچه ظریف پشم لطیف، پارچه زرتار، منسوجات زردوزی‌شده، سفره زررفت، پارچه‌های ضخیم از پشم بز
زیرانداز	قالی، قالی بزرگ‌پارچه، فرش، بالش، قالی‌های نفیس، جاجیم، نم‌د، نهالی‌های ذی‌قیمت منقش به گل و برگ سیمین و زرین، نازبالش	نهالی‌های منقش به گل و برگ	قالی ابریشمین، قالی زررفت، قالی پشمین، قالی زرتار ابریشمی، بالش‌های زررفت، فرش ابریشمی، فرش‌های زرتار، نهالی‌های قلابدوزی‌شده، نهالی‌های سیمین‌تار، نهالی‌های ابریشمین، بالش‌های جواهرنشان، بالش‌های مرواریددوزی‌شده
ظروف	مجمعه، ظروف مخصوص آب دهان، ظروف زباله، روغندان، گلابدان، آتشدان، سینی، اوانی، ظروف چینی، کارد و چنگال، تریاکدان، بلور، کاسه، مجمر، لیوان، جام، باده، ساغر، بلور، چینی، بلور وینیزی، شمعدان دوشاخه‌مطلای، سفال و کوزه‌های سفالین، مینا تراش	بلور وینیزی با طرح شستی مشبک، سفال‌های سفید و لعابدار	گلابدان زرین، ظرف زرین جواهرنشان، سینی طلا، سینی بزرگ نقره، اوانی چینی، اوانی جواهرنشان، کارد و چنگال با دسته کهریبا، تریاکدان مطالی میناکاری‌شده، ظرف سیمین و زرین، ظروف چینی و بدل چینی و مینایی، مجمر نقره‌ای، مجمر مطای، بطری شفاف، بطری مرصع با فرمی مدور، لیوان زرانود، لیوان سیمین میناکاری شده، لیوان چینی
تزیینات کاربردی	قندیل، نرده مقبره، گوی، نوارهای تزیینی، منگوله تزیینی، حلقه‌های متصل‌کننده، شمعدان دوشاخه، مشعل، ستون‌های نگهدارنده، مقرنس‌کاری، آئینه‌کاری، تزیینات با شیشه	تزیینات با شیشه‌های رنگین، نقاشی دیواری با نقوش متنوع، نقاشی مفصل پرکار	قندیل‌های زرین و سیمین، نرده‌های زرین، گوی زرین، گوی‌های جواهرنشان، گوی‌های طلا، قندیل زرین توپر، نوارهای ابریشمین، منگوله زرین، حلقه زرین، ستون‌های طلاکوب و نقره‌کوب، مشعل‌های طلا و نقره، شمعدان دوشاخه‌مطلای، ورق‌های ضخیم طلا و نقره تزیینی ستون‌ها، نقاشی دیواری با آب زر و لاجورد، نقاشی با آب‌طلا، تزیینات با رنگ طلایی
کتیبه‌نویسی	ادعیه‌نویسی، کتیبه‌نویسی		ادعیه روی کاغذ یا پوست حیوانی، کتیبه‌نویسی روی کاشی، کتیبه‌های زرین و سیمین روی منسوجات

محصول	فهرست مرتبط	طرح و نقش و رنگ	مواد اولیه و تکنیک
نقاشی	رشته، انگشتری، حلقه، ساعت پرکار، جعبه جواهرات، فیروزه‌نشانی، تفره‌گری، جواهرسازی، زرگری، حکاکی		رشته زمرد و الماس، انگشتری زمرد، حلقه یاقوت پشت‌گلی، ساعت با جعبه تفره‌ای، جعبه جواهرات مزین به الماس و زمرد و مینانشان
تزیینات وابسته به معماری	کاشی‌کاری، سنگ‌های بزرگ سماق، تزیین طاق و سقف	کاشی‌کاری پرکار و زیبا، طاق و سقف پرنقش و نگار	سنگ‌های بزرگ سماق تزیین شده با طلا و لاجورد، تزیین طاق و سقف با نقوش طلا و لاجورد
سایر تولیدات	چلچراغ، آئینه، قاب چوبی، تنگ با تزیینات پرکار، زنبورک، شمشیر، زین و برگ و لگام	آئینه با حاشیه منقش، قاب چوبی تصویر شاه، چلچراغ منقش	چلچراغ کریستال، آئینه کریستال، قاب چوبی مطلا، تنگ طلاکوب، شمشیر فیروزه‌نشان، زین و برگ و لگام زراندود، خاتم‌کاری

۱۳. نتیجه‌گیری

نتایج این بررسی نشان می‌دهد کتاب سفرنامه شاردن با عنایت به ویژگی‌های مستتر در آن، قابلیت استخراج نکات قابل اهمیتی از زوایای آشکار و پنهان هنرهای کاربردی در دوره صفوی را داراست. کتاب مذکور، صرفاً متمرکز بر نقل رویدادها نیست، بلکه پرداختن به جزئیات جنبی رویدادها و انعکاس دقایق صحنه‌های پیرامونی، سفرنامه شاردن را به منبعی ارزشمند در جهت شناخت تولیدات فرهنگی و هنری صفویان تبدیل کرده است. در پاسخ به پرسش نخست پژوهش می‌توان گفت در منابع تاریخی به‌خصوص منابع غیرمستقیم، استخراج اطلاعات تاریخی در حوزه هنرهای کاربردی در قالب ذکر لیست مالیات و خراج، فهرست غنایم جنگی، ذکر صورت وضعیت اموال و دارایی‌های افراد، شرح رویدادها در مراسم تشریفاتی، شرح تولیدات فرهنگی توسط مورخان و سیاحان، ذکر مراسم خلعت‌دهی و تقدیم هدایا، ذکر کارگاه‌های درباری، ذکر فهرست ملزومات و اسباب و اثاثیه کاخ‌ها و منازل شخصیت‌ها و ... قابل احصاء خواهد بود. هم‌چنین از کتاب سفرنامه شاردن به سبب تنوع مشاهدات منعکس شده در قالب شرح رویدادها و وقایع، شرح فضاها و مکان‌های شاخص، شرح فعالیت‌های فرهنگی و اقتصادی، شرح چیدمان‌های مراسم مهم درباری و طبقات بالادست، شرح تشریفات درباری، ذکر فهرست هدایا، ذکر فهرست مراکز تولید، ذکر صورت وضعیت اموال، فهرست ملزومات مکان‌ها، ذکر خصوصیات کارگاه‌های درباری و محصولات صادراتی و ... ناگزیر می‌توان به اطلاعات قابل توجهی از تولیدات این دوره دست یافت.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش نیز می‌توان گفت در این روش پس از بررسی بسامد واژگان تخصصی مورد نظر، ابتدا به استخراج و طبقه‌بندی واژگان مربوطه پرداخته شد. پس از دسته‌بندی مفاهیم و رویدادهای مرتبط با تولیدات هنری این دوره، با هدف نزدیک شدن به تولیدات هنری، تلاش شد تا این تولیدات به‌صورت جامع معرفی گردند. تحلیل محتوای کمی و کیفی منجر به ایجاد دسته‌بندی نه‌گانه‌ای با عناوین پوشاک، منسوجات، زیراندازها، ظروف، تزیینات کاربردی، کتیبه‌نویسی، جواهرات، تزیینات وابسته به معماری و سایر تولیدات گردید. بیش‌ترین اطلاعات به‌دست آمده به‌ترتیب به منسوجات، ظروف، تزیینات کاربردی و زیراندازها مربوط هستند. علاوه بر معرفی و دسته‌بندی تولیدات در حوزه هنرهای کاربردی، تلاش شد تا بر اساس اطلاعات موجود در متن، به جزئیاتی نظیر طرح و نقش، رنگ، مواد اولیه و تکنیک‌های مورد استفاده نیز پرداخته شود. این رویکرد نه‌تنها به شناسایی و طبقه‌بندی دقیق تولیدات هنری کمک می‌کند، بلکه به تفسیر جامع‌تری از این دوره هنری نیز منجر می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. بسیاری از این منابع تصویری، جزئیات کاملی از سیر تحول برخی هنرهای کاربردی ایران را نیز ارائه می‌دهند.
۲. برای اطلاع بیش‌تر از دسته‌بندی منابع مکمل و ظرفیت‌های هر یک از این دسته‌بندی‌ها مراجعه شود به: (اشعاری، ۱۳۹۹؛ اشعاری، در دست انتشار).

۳. یادآور می‌گردد که سفرنامه شاردن، با توجه به خصوصیات مستتر در آن، در حوزه هنرهای کاربردی حاوی اطلاعات ارزشمند تاریخی در هردو بخش منابع مستقیم و منابع غیرمستقیم می‌باشد که در تحقیق حاضر به دلیل حجم اطلاعات، تنها بر منابع غیرمستقیم تمرکز شده است.
۴. سینی بزرگ، مجموعه، طبق مسین بزرگ که ظروف غذا در آن نهند و حمل کنند (دهخدا، ۱۳۶۸).
۵. در فرانسه تا پیش از ورود سیستم متریک (سده‌های ۱۸ و ۱۹)، واحدهای متنوعی برای طول استفاده می‌شدند. یکی از رایج‌ترین آن‌ها اون (aune) بود که شاردن برای اندازه‌گیری پارچه‌ها، فرش‌ها و بافته‌های گران‌بها در سفرنامه‌اش به کار برده است.

منابع

- آهنچی، آذر. (۱۳۸۶). سفرنامه ال‌تاریوس و اهمیت آن در شناخت سرزمین و جامعه ایران و اوضاع سیاسی سلطنت شاه صفی اول. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۵۸ (۲)، ۲-۲۲.
- اشپولر، برتولد. (۱۳۸۰). تاریخ‌نگاری در ایران. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.
- اشعاری، محمود. (۱۳۹۹). بازسازی تاریخ و جغرافیای هنرهای کاربردی ایران بر اساس منابع مکتوب در سده‌های نخستین هجری با تکیه بر فرش دستباف. فصلنامه نگره، شماره ۵۳، ۵-۲۳. Doi: 10.22070/negareh.2020.1168
- (در دست انتشار). تاریخ‌نگاری هنرهای کاربردی ایران بر اساس منابع مکمل. فصلنامه نگره. Doi: 10.22070/negareh.2024.18871.3347
- جعفرپور، علی، و نوری، مهرداد. (۱۳۸۵). وضعیت پوشاک زنان در عصر صفوی (با تکیه بر سفرنامه‌نویسان فرنگی). مسکوبه، شماره ۵، ۴۹-۶۴.
- حنیفر، حسین. (۱۳۹۷). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی. تهران: نگاه دانش.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۶۸). فرهنگ دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رهبر، ایلناز، اسعدی، هومان، و گاژا، رامون. (۱۳۹۰). سازهای موسیقی دوره صفوی به روایت کمپفر و شاردن مقایسه‌ای تطبیقی در بخش سازشناختی از سفرنامه‌ی کمپفر و شاردن. هنرهای زیبا: هنرهای نمایشی و موسیقی، شماره ۴۱، ۲۳-۳۲.
- رمضان نرگسی، رضا. (۱۳۹۰). بررسی انتقادی شش سفرنامه مهم اروپایی دوره صفوی. معرفت، شماره ۱۷۰، ۱۲۱-۱۳۶.
- شاردن، ژان. (۱۳۸۶). سفرنامه شاردن. ترجمه اقبال یغمایی. تهران: توس.
- فتحی، کوروش. (۱۳۸۹). هنر زرگری در ایران. نامه تاریخ‌پژوهان، شماره ۲۳، ۱۳۸-۱۷۲.
- ملانی توانی، علیرضا. (۱۳۸۶). درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ. تهران: نشر نی.

فصلنامه علمی هنرهای صناعی ایران
شماره ۲، پیاپی ۱۳

دوفصلنامه علمی هنرهای صناعی ایران
سال هفتم، شماره ۲، پیاپی ۱۳
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

Applied Arts of Iran during the Safavid Era based on Chardin's Travelogue

Mahmoud Ashari

Associate Professor, Department of Handicrafts, University of Science and Culture, Tehran, Iran
(Corresponding Author)/ mahmoud.ashari@gmail.com

Javad Aghajani keshteli

Assistant Professor, Department of Art Research, Science and Arts University, Yazd, Iran/
j.aghajani@sau.ac.ir

Received: 08/12/2024

Accepted: 10/03/2025

Introduction

The Safavid dynasty represents a pinnacle of artistic brilliance in Iranian history, a period meticulously documented in various historical sources. Alongside native Iranian chroniclers, European travelers, drawn by favorable political and economic conditions and the rulers' keen interest in arts, produced extensive travelogues. These accounts offer invaluable descriptions and perspectives on the diverse cultural and artistic productions of the time. These visitors—including merchants, missionaries, diplomats, scholars, and artists—arrived with a range of political, commercial, religious, and cultural objectives, leaving behind not only written records but also a rich corpus of visual materials that provide crucial information about the era's cultural and artistic output. Among these, the travelogue of Jean Chardin stands out as a particularly detailed resource. This research aims to systematically extract, classify, and analyze information regarding the applied arts of the Safavid period, with a specific emphasis on Chardin's comprehensive account, to supplement existing historical knowledge. The primary research questions are: 1) how can the applied arts of the Safavid era be identified and enumerated based on Chardin's travelogue? and 2) how can these artistic productions be categorized based on the information within his work?

Research Method

This study is classified as fundamental and theoretical in its objectives. The research design is descriptive-analytic, and it utilizes a qualitative method for data analysis. The necessity for this approach stems from the fact that many applied art artifacts are perishable, which has damaged the historical record and created challenges for research; therefore, complementary methods are required to reconstruct historical knowledge.

Data collection for the historical and theoretical portions was conducted using library and documentary methods. The core analytical process is a qualitative content analysis that focuses on cultural and artistic themes to extract and systematize data embedded within the descriptive layers of the text. This process unfolds in several distinct stages; first is source selection. The initial step involves the precise identification of credible historical books. Sources are chosen based on their informational capabilities and the qualitative and quantitative abundance of specialized vocabulary to ensure the accurate extraction of relevant information. Second is data extraction and classification. Once a source like Chardin's travelogue is selected, the researcher proceeds to extract and classify specialized vocabulary related to cultural and artistic production. Third stage deals with a qualitative analysis. The analysis of the textual data is performed qualitatively. This involves the mental interpretation of the text's content; it employs systematic processes of classification, coding, and designing of recognized patterns to understand the data. The extracted content is then analyzed based on a predetermined model. The last stage is contextual examination. The extracted vocabulary and information are not treated in isolation. Instead, they are analyzed

هنرهای کاربردی ایران در
دوره صفوی بر اساس
سفرنامه شاردن، محمود
اشعاری و جواد آقاچانی
کشتلی، ۱۱۶-۹۵

within the rich context of the surrounding narrative. The analysis specifically examines descriptive passages including: A) descriptions of events, incidents, and prominent spaces and places; B) accounts of cultural and economic activities; C) detailed descriptions of the arrangements for important courtly ceremonies; D) inventories of property and lists of household furniture and effects; E) accounts of courtly protocols and lists of gifts, and F) descriptions of the interior and exterior decorations of various locations.

This comprehensive analytical method allows for a deep, interpretive understanding of the data embedded within the historical narrative, enabling the systematic identification and classification of the applied arts of the Safavid period.

Research Findings

The study of applied arts from historical periods is often hindered by the perishable nature of the artifacts, which leads to significant gaps in the historical record. Consequently, researchers must utilize parallel and complementary methods to reconstruct a comprehensive picture. This involves carefully selecting historical sources based on their reliability, the richness of their specialized vocabulary, and the quality of their information. Chardin's travelogue was identified as a prime source due to its remarkable level of detail, which extends beyond mere historical events to include the minutiae of the surrounding scenes and settings.

The analysis confirms that Chardin's work is an invaluable resource for understanding the material culture of the Safavid era. His detailed observations—covering everything from court ceremonies and gift inventories to production workshops and export goods—provide a rich dataset on the applied arts of the period. The research demonstrates that historical information about applied arts is often found scattered in indirect sources such as tax records, lists of war spoils, inventories of assets, and descriptions of courtly life. Chardin's narrative, with its wide array of observations, serves as a comprehensive repository for such data. By systematically extracting and analyzing specialized terms related to artistic production, this study successfully identified and categorized a wide range of applied arts.

Conclusion

This research confirms that Jean Chardin's travelogue possesses significant analytical potential for rediscovering the overt and subtle dimensions of Safavid applied arts, owing to its detailed descriptive structure. Employing a qualitative content analysis focusing on cultural and artistic themes, the study systematically extracted and organized data embedded within the text's descriptive layers. Chardin's focus on ancillary details and everyday scenes elevates his work beyond a simple historical narrative, establishing it as a foundational source for understanding the structure of cultural and artistic production in the Safavid period.

The findings have culminated in a nine-part classification system for Safavid applied arts, encompassing: 1) apparel, 2) textiles, 3) floor coverings, 4) vessels, 5) functional decorations, 6) epigraphy, 7) jewelry, 8) architectural decorations, and 9) other productions. The most extensive data were concentrated in the categories of textiles, vessels, functional decorations, and floor coverings. Furthermore, the analysis captured critical details regarding design motifs, color palettes, raw materials, and production techniques mentioned in the source. This comprehensive approach not only facilitates a precise classification of the objects but also leads to a more holistic understanding of the structure and characteristics of applied arts during the Safavid dynasty.

Keywords: Safavid era, Chardin, Applied arts, Travelogue.

References

- Ahanchi, A. (2007). Elearius's travelogue and its importance in understanding the land, society, and political conditions during the reign of Shah Safi I. *Journal of Faculty of Letters and Humanities, University of Tehran*, 58 (2), 2–22 [In Persian].
- Ashari, M. (2020). Reconstructing the history and geography of applied arts in Iran based on written sources in the early Islamic centuries, with emphasis on handwoven carpets. *Negareh Journal*, No. 53, 5–23. Doi:10.22070/negareh.2020.1168 [In Persian].
- . (forthcoming). Historiography of applied arts in Iran based on complementary sources. *Negareh Journal*. Doi: 10.22070/negareh.2024.18871.3347 [In Persian].
- Chardin, J. (2007). *Chardin's Travelogue* (E. Yaghmaei, Trans.). Tehran: Toos [In Persian].
- Dehkhoda, A. A. (1989). *Dehkhoda Dictionary*. Tehran: University of Tehran Press [In Persian].
- Fathi, K. (2010). The art of goldsmithing in Iran. *Historical Researchers' Letter*, No. 23, 138–172 [In Persian].
- Jafarpour, A., & Nouri, M. (2006). Women's clothing in the Safavid era (based on foreign travelogues). *Meskubeh*, No. 5, 49–64 [In Persian].
- Khanifar, H. (2018). *Principles and foundations of qualitative research methods*. Tehran: Negah-e Danesh [In Persian].
- Molaei Tavani, A. (2007). *Introduction to research methodology in history*. Tehran: Nashr-e Ney [In Persian].
- Rahbar, I., Asadi, H., & Gaja, R. (2011). Musical instruments of the Safavid period as narrated by Kampfer and Chardin: A comparative study in the organological section of Kampfer's and Chardin's travelogues. *Fine Arts Journal: Performing Arts and Music*, No. 41, 23–32 [In Persian].
- Ramazan Nargesi, R. (2011). A critical review of six important European travelogues during the Safavid era. *Ma'refat*, No. 170, 121–136 [In Persian].
- Spuler, B. (2001). *Historiography in Iran* (Y. Azand, Trans.). Tehran: Gostareh [In Persian].